

Submit Date: 01 July 2026

Revise Date: 25 September 2026

Accept Date: 02 October 2026

Initial Publish: 21 October 2026

Final Publish: 20 February 2027

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## The Role of the Principle of Public Interest in the Decisions of the Iranian Competition Council and the European Union from the Perspective of Economic Public Law

Hooman Sadeghi<sup>1</sup>, Vali Rostami<sup>2\*</sup>, Nader Mirzadeh Kouhshahi<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Public Law, University of Tehran (Kish Campus), Tehran, Iran

2. Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

\* Corresponding Author's Email: [vrostami@ut.ac.ir](mailto:vrostami@ut.ac.ir)

### ABSTRACT

The primary objective of this study is to examine and comparatively analyze the competition law systems of the European Union and Iran and to assess the effectiveness of Iran's legal framework in comparison with one of the world's most advanced competition regimes. To this end, the study first examines the theoretical foundations and principal concepts of competition law, including anticompetitive agreements, abuse of a dominant position, and the control of economic concentrations. It then analyzes the institutional structure and enforcement mechanisms of competition law in the European Union, with particular emphasis on Articles 101 and 102 of the Treaty on the Functioning of the European Union (TFEU), merger control regulations, and the roles of the European Commission and the Court of Justice of the European Union. Subsequently, Iran's competition law framework is evaluated with particular reference to the Law on the Implementation of the General Policies of Article 44 of the Constitution and the role of the Competition Council. The findings indicate that the European Union's competition law system benefits from a more precise legal framework, more independent enforcement institutions, a more extensive body of case law, and broader reliance on economic analysis in decision-making. Within this system, concepts such as the relevant market, dominant position, and the anticompetitive effects of business conduct have been defined and refined through decades of judicial jurisprudence and European Commission decisions. Decision-making is also predominantly based on an effects-based approach and assessments of market efficiency. By contrast, although the adoption of the Law on the Implementation of the General Policies of Article 44 and the establishment of the Competition Council constituted significant steps toward creating a legal framework for competition in Iran, the Iranian system continues to face challenges, including ambiguity in certain legal concepts, limitations on the institutional independence of the Competition Council, overlapping jurisdiction with certain sector-specific regulatory authorities, and limited use of economic analysis in the adjudication of competition cases. The results further demonstrate a significant difference between the two systems in the conceptual foundations of public interest. In Iran, competition policy is closely associated with considerations of economic justice, support for domestic production, and market regulation, whereas the European Union places greater emphasis on market efficiency, consumer welfare, and the preservation of competitive market structures. In addition, the structure of the Iranian economy and the extensive presence of state-owned and quasi-state-owned enterprises in numerous markets constitute important factors that complicate the comprehensive and effective enforcement of competition rules. Based on these findings, the study recommends that measures aimed at improving the effectiveness of Iran's competition law system should include reforming and clarifying the relevant legal provisions, strengthening the institutional independence of the Competition Council, expanding the application of economic analysis in competition-law decision-making, improving coordination among regulatory authorities, and enhancing transparency through the systematic publication of competition decisions. Drawing on the experience of the European Union in these areas may contribute to the gradual development and greater effectiveness of Iran's competition regime.

**Keywords:** Competition Law; Abuse of Dominant Position; Anticompetitive Agreements; Control of Economic Concentrations; Competition Council; European Union.

How to cite: Sadeghi, H., Rostami, V., & Mirzadeh Kouhshahi, N. (2026). The Role of the Principle of Public Interest in the Decisions of the Iranian Competition Council and the European Union from the Perspective of Economic Public Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(6), 1-28.



تاریخ ارسال: ۱۰ تیر ۱۴۰۵  
 تاریخ بازنگری: ۳ مهر ۱۴۰۵  
 تاریخ پذیرش: ۱۰ مهر ۱۴۰۵  
 تاریخ چاپ اولیه: ۲۹ مهر ۱۴۰۵  
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ اسفند ۱۴۰۵

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

# جایگاه اصل منافع عمومی در تصمیم گیری های شورای رقابت ایران و اتحادیه اروپا از منظر حقوق عمومی اقتصادی

هومن صادقی<sup>۱</sup>، ولی رستمی<sup>۲</sup>، نادر میرزاده کوهشاهی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران (پردیس کیش)، تهران، ایران

۲. استاد، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: [vrostami@ut.ac.ir](mailto:vrostami@ut.ac.ir)

## چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل تطبیقی نظام حقوق رقابت در اتحادیه اروپا و ایران و ارزیابی میزان کارآمدی چارچوب حقوقی ایران در مقایسه با یکی از پیشرفته‌ترین نظام‌های رقابتی جهان است. در این راستا، ابتدا مبانی نظری و مفاهیم اصلی حقوق رقابت از جمله توافقات ضد رقابتی، سوء استفاده از موقعیت مسلط و کنترل تمرکزهای اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته و سپس ساختار نهادی و سازوکارهای اجرایی این حوزه در اتحادیه اروپا با تمرکز بر مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا، مقررات کنترل ادغام‌ها و نقش کمیسیون اروپا و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا تحلیل شده است. در ادامه، چارچوب حقوق رقابت در ایران با تأکید بر قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و نقش شورای رقابت مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظام حقوق رقابت اتحادیه اروپا از چارچوب قانونی دقیق‌تر، نهادهای اجرایی مستقل‌تر، رویه قضایی گسترده‌تر و استفاده گسترده از تحلیل‌های اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها برخوردار است. در این نظام، مفاهیمی مانند بازار مربوطه، موقعیت مسلط و آثار ضد رقابتی رفتارها از طریق دهه‌ها رویه قضایی و تصمیمات کمیسیون به صورت دقیق تبیین شده‌اند و تصمیم‌گیری‌ها غالباً بر اساس رویکرد اثر محور و تحلیل کارایی بازار انجام می‌شود. در مقابل، در نظام حقوقی ایران هرچند با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و تشکیل شورای رقابت گام مهمی در جهت ایجاد چارچوب قانونی رقابت برداشته شده است، اما این نظام هنوز با چالش‌هایی مانند ابهام در برخی مفاهیم قانونی، محدودیت استقلال نهادی شورای رقابت، تداخل صلاحیت با برخی نهادهای تنظیم‌گر بخشی، و استفاده محدود از تحلیل‌های اقتصادی در رسیدگی به پرونده‌ها مواجه است. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت مهمی در مبنای مفهومی منافع عمومی در دو نظام وجود دارد. در ایران، سیاست رقابت تا حد زیادی با ملاحظات عدالت اقتصادی، حمایت از تولید و تنظیم بازار پیوند خورده است، در حالی که در اتحادیه اروپا تأکید بیشتری بر کارایی بازار، رفاه مصرف‌کننده و حفظ ساختار رقابتی بازار وجود دارد. علاوه بر این، ساختار اقتصادی ایران و حضور گسترده بنگاه‌های دولتی و شبه دولتی در بسیاری از بازارها از جمله عواملی است که اجرای کامل قواعد رقابت را با پیچیدگی‌هایی مواجه می‌کند. بر اساس این یافته‌ها، پژوهش پیشنهاد می‌کند که برای افزایش کارآمدی نظام حقوق رقابت در ایران اقداماتی مانند اصلاح و شفاف‌سازی مقررات قانونی، تقویت استقلال نهادی شورای رقابت، توسعه استفاده از تحلیل‌های اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد هماهنگی بیشتر میان نهادهای تنظیم‌گر و افزایش شفافیت در انتشار تصمیمات رقابتی مورد توجه قرار گیرد. بهره‌گیری از تجربیات اتحادیه اروپا در این زمینه می‌تواند به توسعه تدریجی و کارآمدتر نظام رقابت در ایران کمک کند.

**کلیدواژگان:** حقوق رقابت، سوء استفاده از موقعیت مسلط، توافقات ضد رقابتی، کنترل تمرکزهای اقتصادی، شورای رقابت، اتحادیه اروپا.

نحوه استناددهی: صادقی، هومن، رستمی، ولی، و میرزاده کوهشاهی، نادر. (۱۴۰۵). جایگاه اصل منافع عمومی در تصمیم گیری های شورای رقابت ایران و اتحادیه اروپا از منظر حقوق عمومی اقتصادی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴ (۶)، ۱-۲۸.



قانون اساسی، عالی‌ترین سند حقوقی هر کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر آن است. ابزاری کارآمد برای تفسیر و ترویج دموکراسی محسوب می‌شود. قانون اساسی تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار سلسله‌مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت و تضمین‌کننده حقوق شهروندان هر کشور است که هیچ قانونی نباید با آن مغایرت داشته باشد. در مقدمه قانون اساسی ایران، درباره حکومت چنین آمده است؛ حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی بگشاید. در اصولی از قانون اساسی ایران، به ابزارهای تحقق مبانی اهداف ملی، در امتداد پی‌ریزی اقتصادی سالم و عدالت‌گرا با هدف تأمین حقوق آحاد جامعه، اشاره شده است. البته روح التزام به تحقق منافع عمومی و ملی در همه اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران احساس می‌شود. توجه به تساوی حقوق (اصل ۱۹)، تضمین حقوق زنان (اصل ۲۰)، آزادی مطبوعات و احزاب (اصل ۲۴)، حق داشتن شغل (اصل ۲۸)، برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل ۲۹)، آموزش و پرورش رایگان (اصل ۳۰)، منع اضرار به غیر (اصل ۴۳)، توزیع عادلانه منابع طبیعی و درآمدهای عمومی، دریافت ثروت‌های نامشروع و رد آن به صاحبان اصلی (اصل ۴۵)، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی (اصل ۱۵۲)، حمایت از مستضعفین در هر نقطه از جهان (اصل ۱۵۴) و نظایر آن، همگی از جمله اصول ناظر بر تأمین منافع ملی و تأمین منافع جامعه محسوب می‌شوند. بر اساس متن قانون اساسی، «جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها و نیز نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و

سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌نماید» (اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). در اصل دیگری از قانون اساسی ایران تأکید شده است که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب نماید یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق الهی را از طرقی که اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند. (Shams, 2009)

از متن اصول فوق چنین استنباط می‌شود که تأمین منافع ملی و عمومی جامعه، از وظایف اصلی حکومت و دولت است و همگان باید در چهارچوب اصول فوق در صیانت و نگهداشت از حقوق عامه اهتمام ورزند و نباید به بهانه‌های واهی و بی‌اساسی، چون منافع گروهی، حزبی و جناحی از خدمت به عامه و رعایت منفعت ملی سرباز زنند (اصل پنجاه و ششم قانون اساسی ایران). همچنین در اصلی از قانون اساسی ایران، حفظ و تأمین منافع ملی، از وظایف شورای عالی امنیت ملی دانسته شده است. البته علاوه بر شورای عالی امنیت ملی، نهادهای دیگری هم در سطح کلان، با هدف تأمین منافع عمومی و ملی در سیستم اداری کشور اثرگذارند؛ از آن جمله، می‌توان به نهاد رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی اشاره کرد. البته قوانین عادی مجلس معمولاً مستقیم به منافع ملی بر نمی‌گردند، بلکه بیشتر منافع عمومی را در نظر دارند، مگر در مواردی خاص؛ نظیر تصمیم مجلس در مقابله به مثلاً با آمریکا که در جهت حفظ منافع ملی ارزیابی می‌شود. در این مورد، ماجرا از این قرار بود که دادگاه‌های آمریکایی به دفعات، برخلاف همه مقررات بین‌المللی، دولت ایران را به مبالغ کلان‌تری از مبالغ جریمه بین‌المللی محکوم می‌کردند؛ مجلس ایران نیز در عملی تلافی‌جویانه، تشکیل دادگاه‌های ویژه‌ای را بر این مبنا تصویب کرد و دولت آمریکا را بابت ضرر و زیان وارده در اثر

اقدامات خصمانه جامعه ایران محکوم نمود. در نهایت، این اقدام موجب شد تا آنها از عمل زیاده‌خواهانه خود دست بردارند. (Gorji, 2008)

بر همین اساس، خط‌مشی‌های عمومی از طریق مراجع ذی‌صلاح وضع می‌شوند و به‌مثابه کهن‌الگوهای راهبری حکومت، امور جاری جامعه را راهبری می‌کنند. خط‌مشی‌های عمومی نماینده و بیانگر «منافع عمومی» هستند؛ در واقع، برای تدوین خط‌مشی‌های معطوف به رفع مشکلات جامعه، همواره باید منفعت عمومی نیز مدنظر قرار گیرد. منفعت عمومی از مفاهیم محوری در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی است که به‌ویژه در بحث از خط‌مشی و ارزشیابی عملکرد دولت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حتی می‌توان گفت که واژه خط‌مشی برای تعیین حدود وظایف و اولویت‌های سیستم خط‌مشی‌گذاری عمومی، در کنار اصطلاحاتی چون منفعت ملی، مصلحت عمومی و مصلحت ملی بهتر تبیین می‌شود. در همین امتداد، منفعت عمومی، به‌مثابه مقوله‌ای بسیار مهم در قلمرو علم اداره، مدنظر قرار می‌گیرد؛ مقوله‌ای که می‌توان تعهد به آن را شاخص ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی تلقی کرد. منفعت عمومی، مفهومی مبهم و سیال بوده، برای افراد گوناگون معانی متفاوت داشته و در طول زمان تغییر می‌کند. اگرچه تصور بر این است که منافع عمومی به‌راحتی قابل تعریف‌اند، اما این منافع معمولاً دارای وجوه ناهمگون بوده، با درجات متفاوتی از اهمیت در مواجهه با گذشته، حال و آینده تعریف می‌شوند؛ در همین امتداد، هاروارد اسمیت بر آن است که هرچند اصطلاح منافع عمومی یک افسانه است، اما افسانه‌ای مفید است؛ بنابراین، هرچند درباره معنا و مفهوم منفعت عمومی و شاخص‌های آن اتفاق‌نظر وجود ندارد، ولی این مفهوم همچنان در گفتمان عمومی و ادبیات آکادمیک، حائز اهمیت است. (Emami & Ostovar, 2010)

بروز تعارض منافع و نبود راهکار مناسب برای مدیریت آن از اصلی‌ترین و ریشه‌ای‌ترین دلایل وقوع فساد در سطوح عمومی حاکمیت است. وجود تعارض منافع با بروز فساد مساوی نیست، ولی بی‌تردید بزرگ‌ترین عامل آن، وجود موقعیت‌های گوناگون تعارض منافع است که فرد را بر سر دوراهی منفعت شخصی یا ملی قرار می‌دهد. در جامعه اسلامی، اتصاف به تقوا، کنترل درونی و صلاحیت‌های اخلاقی از شرایط تصدی مناصب است، ولی تکیه بر فضایل اخلاقی نافی مسئولیت حکومت در رفع موقعیت‌های بروز تعارض منافع نیست. تعارض منافع در یک تعریف اولیه و کلی، مجموعه شرایطی است که خطر اثرپذیری اقدامات حرفه‌ای یا تصمیم‌ها را از منافع ثانویه تقویت می‌کند. به عبارت دیگر، در موقعیت‌های بروز تعارض منافع، منافع ملی اولیه هم‌عرض منافع شخصی (ثانویه) قرار می‌گیرد و این نگرانی معقول پدید می‌آید که فرد در مقام انتخاب، تحت تأثیر منافع دسته دوم قرار گیرد. در حقیقت، در این موقعیت خطیر، فرد از مسیر اهداف قانون و اخلاق منحرف می‌شود و در دام «سوءاستفاده از اختیار» گرفتار می‌آید. (Mooney, 2015)

زیربنای ارتکاب همه مفاسد بهره‌مندی از موقعیت‌های تعارض منافع است؛ یعنی قبل از هر فساد حتماً یک موقعیت تعارض منافع وجود داشته که فرد، گروه یا سازمان در جایگاه انتخاب بین منافع شخصی و منافع عمومی، منافع دسته دوم را انتخاب نکرده است. از آنجا که پیشگیری و مبارزه با فساد، یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های مردم از حکومت‌ها و مهم‌ترین وظایف دولت‌هاست و با توجه به ارتباط بین تعارض منافع و فساد، مدیریت موقعیت‌های تعارض منافع شخصی، گروهی یا سازمانی، راهکاری اساسی برای پیشگیری از انواع مفاسد و تضمین‌کننده عدالت و شفافیت در کشور خواهد بود. (Ansari, 2022)

در قلمرو امور عمومی (و البته در دیدگاهی واقع‌بینانه همه امور)، کمتر حوزه‌ای را می‌توان یافت که تعارض منافع مشکل‌آفرین نشده

قوانین ضدانحصار یا ایجاد رقابت و مجریان این قوانین، از سال‌های بسیار دور در بیش از ۱۴۰ کشور جهان شکل گرفته و اشتغال به رصد نمودن بازار و رفع موانع آن دارند. با پیگیری و تلاش بعضی از اقتصاددانان کشور، این مهم به تدریج ضرورت حضور خود را در اقتصاد ایران نشان داد. پذیرش نیاز ضروری به قوانین و جایگاهی برای رفع اختلال‌ها و انحصارها در بازارهای اقتصاد ایران موجب شد که نخستین گروه از خبرگان مسائل بازار در معاونت برنامه‌ریزی، طی جلسات طولانی، به طراحی چارچوب قوانین و ضرورت‌های ایجاد قانون رقابت‌مندی بپردازند.

انتظار می‌رفت که به علت بیگانگی بسیاری از دست‌اندرکاران دولتی و مجلس با این مهم که در اقتصاد ایران بی‌سابقه بود، روند عبور از پیش‌نویس اولیه قوانین از مراحل و شوراها و مختلف و به‌خصوص هیئت دولت تا تبدیل شدن آن به شکل لایحه و ورود تصمیم‌گیری به مجلس شورای اسلامی به طول انجامد. این لایحه در پیچ‌وخم مراحل بررسی و تصویب تا ورود لایحه اصلاحات اصل ۴۴ قانون اساسی به طول انجامید. در نهایت، لایحه رقابت‌مندی بازار در لایحه اصلاحات اصل ۴۴ قانون اساسی ادغام و با وجود اشکالات شورای نگهبان، بالاخره با تأیید مجمع تشخیص مصلحت در تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۵ به مجلس ارسال و سپس در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۳۱ در چارچوب مجموعه قوانین و مقررات اجرایی به دولت ابلاغ گردید. مجدداً به دلیل نبود سابقه‌ای مشابه در اقتصاد ایران که مکان خالی آن را آشکار نماید، از زمان تصویب قانون تا زمانی که با تلاش وزارت اقتصاد و دارایی، به‌عنوان مسئول راه‌اندازی مرکز ملی رقابت که رکن اصلی قانون رقابت‌مندی بازار تعیین شده بود، حدود یک سال به طول انجامید و بالاخره در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۷ اولین جلسه غیررسمی مرکز ملی رقابت با حضور عمده اعضا (غیر از نمایندگان معاونت برنامه‌ریزی و راهبردی ریاست‌جمهوری، وزارت صنایع و معادن و اتاق بازرگانی) برگزار شد.

باشد. از رویدادهای مقطعی چون انتخابات تا امور دائمی همچون آموزش و اقتصاد و سیاست، همگی به صورت‌های مختلف درگیر این چالش هستند، چون تعارض منافع مهم‌ترین ریشه وقوع فساد در حاکمیت است. جامعه از تمام مقاماتی که در بخش عمومی فعالیت دارند انتظار دارد که در تمام سطوح، وظایف خود را بی‌طرفانه و بدون جانبداری انجام دهند و منافع شخصی یا منافع نزدیکان آنان بر تصمیم‌هایشان اثر نگذارد. هرگونه سوءمدیریت در انجام وظایف می‌تواند به فساد یا سوءاستفاده از منصب عمومی بینجامد. در مقابل، چنانچه تعارض منافع به‌درستی مدیریت شود، اعتبار نظام سیاسی حفظ خواهد شد. (Catchick, 2014)

نظریه خدمات عمومی، در اثر لزوم تأمین خدمات عمومی در زندگی اجتماعی و به مرور زمان تحولات بسیاری را پذیرفته است. از خدمات عمومی تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ نقطه مشترک تمام این تعاریف، تأمین نیازهای عمومی جامعه است. بنابراین، می‌توان گفت خدمات عمومی فعالیت‌هایی هستند که نهادهای عمومی یا خصوصی، زیر نظر اشخاص عمومی برای برآورده کردن نیازهای همگانی انجام می‌دهند و حقوق اداری به‌مثابه حقوق حاکم بر خدمات عمومی در این اندیشه نمود پیدا می‌کند؛ اندیشه‌ای که متضمن مشروعیت قدرت و دولت می‌باشد و شایستگی بقای دولت به آن وابستگی تامی دارد. این نظریه در سال‌های اخیر با مفاهیمی چون «خصوصی‌سازی» و «مقررات‌گذاری» پیوند خورده است. در این روند، پیدایش و بنیان‌گذاری نهادهایی با عنوان «نهادهای مقررات‌گذار» چهره خدمات عمومی را کاملاً دگرگون ساخته است. (Hashemi, 2003)

یکی از نهادهایی که به‌عنوان ارائه‌دهنده منفعت عمومی و در پی تلاش برای آن، با منافع متضاد و گاه متناقضی تشکیل شده است، شوراهای رقابت می‌باشد که در طول سالیان گذشته با انتقادات و اماواگرهای زیادی همراه بوده است.

شورای رقابت با هدف تسهیل فعالیت بخش خصوصی و به طور کلی تر عرصه اقتصادی و نوعی عامل برای کاهش ریسک در این بخش شکل گرفت تا بخش خصوصی با ورود به بازار نگران انحصارات و رقبای انحصارگر خود نباشد. شورای رقابت براساس موضوع ماده ۵۳ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تشکیل شده است. در سال ۱۳۸۹، سازمانی با نام مرکز ملی رقابت بر اساس ماده ۵۴ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تأسیس شد. مرکز ملی رقابت مؤسسه‌ای دولتی است که به صورت مستقل زیر نظر رئیس‌جمهور ایران فعالیت می‌کند.

سابقه حقوق رقابت در اتحادیه اروپایی به پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه سال ۱۹۵۱ بازمی‌گردد؛ زمانی که شش کشور اروپایی معاهده زغال‌سنگ و فولاد اروپا را امضا کردند که هدف اصلی آن جلوگیری از تسلط مجدد دولت آلمان بر تولید زغال‌سنگ و فولاد و، به عبارت دیگر، جلوگیری از انحصارطلبی بود. هرچند برخی معتقدند نقش درج قواعد رقابتی در یک موافقت‌نامه منطقه‌ای چندجانبه، در توسعه حقوق رقابت اروپایی محدود بوده است، (Gerber, 2000) اما همین امر بعداً منجر به گنجانیدن قواعد حقوق رقابت در معاهده رم شد. این معاهده به لحاظ مسائل مربوط به حقوق رقابت، شامل یک دسته مقررات عمومی بود که تصویب قانون درباره حقوق رقابت را به عنوان یکی از اهداف بنیادین جامعه اروپا تلقی می‌کرد. در حال حاضر، قواعد رقابت اتحادیه اروپایی در مواد (۱۰۱) تا (۱۰۹) معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی، مواد ۸۱ تا ۸۹ معاهده رم، درج شده است. این قواعد با شناسایی و ممنوع کردن رفتارهای ضد رقابتی شرکت‌ها؛ نظیر ایجاد کارتل و انحصار در بازار، رقابت در بازار واحد اروپایی و حفظ منافع جامعه را تضمین می‌کنند. البته در کنار این ۹ ماده، تعدادی آیین‌نامه نیز وجود دارد و به علاوه، رویه قضایی دیوان دادگستری اروپایی نیز در این زمینه بسیار غنی است.

رفتارهای ضد رقابتی در مواد (۱۰۱) و (۱۰۲) فصل اول عنوان پنجم معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی احصا شده‌اند، بدین ترتیب که در ماده (۱۰۱) به طور خاص، هر موافقت‌نامه افقی، عمودی و هرگونه اقدام هماهنگی را که به عنوان ابزاری برای جلوگیری، محدودیت یا انحراف از رقابت در بازار مشترک باشد یا چنین اثری داشته باشد، ممنوع می‌کند، مگر استثنائات مقرر در بند (۳) همین ماده. از سوی دیگر، ماده (۱۰۲) معاهده، سوءاستفاده از وضعیت مسلط از سوی یک یا چند بنگاه اقتصادی را در مواردی که چنین فعالیت‌هایی بر تجارت مشترک بین کشورهای عضو تأثیر می‌گذارد، ممنوع کرده است. این مواد تعریفی از رقابت، انحراف از رقابت و انحصار ارائه نمی‌دهند. اما در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت که تعریف حقوق رقابت در حقوق اتحادیه اروپایی عبارت است از: «حفاظت از رقابت در بازار مشترک از طریق ممنوع کردن رفتارهای ضد رقابتی شرکت‌ها به منظور جلوگیری از ایجاد کارتل و انحصارگری توسط آنها» (Cini & McGowan, 2009)

سیاست رقابتی اتحادیه اروپایی بازتاب چالش‌های موجود در اتحادیه و دیدگاه‌های اقتصادی رایج در آن است. در ابتدا، هدف از وضع قواعد رقابتی در اتحادیه اروپایی ایجاد بازار مشترک بود و حتی در مقدمه نهمین گزارش کمیسیون اتحادیه اروپا در رابطه با سیاست رقابت تجاری آمده است که اولین و اساسی‌ترین هدف خط‌مشی رقابتی باید تلاش در مفتوح نگاه داشتن بازار مشترک و حفظ اتحاد باشد. (Samavati, 2015) در همین راستا، تدوین‌کنندگان معاهدات موجد اتحادیه اروپایی بر این باور بودند که در یک بازار مشترک، داشتن یک سیاست رقابتی واحد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و لذا مقرراتی کلی را در خصوص رقابت در این معاهدات درج کردند. (Van den Bergh & Camesasca, 2006) برخی نیز معتقدند که اراده واضعان حقوق رقابت اتحادیه اروپایی از وضع قواعد رقابتی، فائق آمدن بر موانعی بود که توسط شرکت‌های خصوصی ایجاد شده و تجارت

افزایش رفاه مصرف‌کننده است و رفاه مصرف‌کننده مقدم بر رفاه تولیدکننده است. (Cacciato, 1996)

به لحاظ موضوعی، با توجه به اینکه قواعد رقابتی لازم‌الرعایه در اتحادیه اروپایی در مواد (۱۰۱) تا (۱۰۹) معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی درج شده‌اند و این معاهده را دولت‌های کشورهای عضو باید رعایت کنند، همچنین با توجه به تعریف بنگاه اقتصادی در رویه دیوان اروپایی دادگستری و نیز کمیسیون اروپا، می‌توان چنین استدلال کرد که در اتحادیه اروپایی نیز تفاوتی میان دولتی یا خصوصی بودن بنگاه اقتصادی وجود ندارد و صرف فعالیت اقتصادی، نهاد درگیر در فعالیت اقتصادی را ملزم به رعایت قواعد رقابتی می‌کند. (Jones & Sufrin, 2019)

با این مقدمات، در این تحقیق به بررسی و مطالعه جایگاه اصل منافع عمومی در تصمیم‌گیری‌های شورای رقابت ایران و اتحادیه اروپا از منظر حقوق عمومی اقتصادی پرداخته می‌شود.

#### پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که بخشی از مطالعات بر مفهوم و جایگاه منفعت عمومی در نظام حقوقی ایران تمرکز داشته‌اند. منصوریان و شیبانی (Mansourian & Sheibani, 2016) منفعت عمومی را یکی از مبانی اصلی قانون‌گذاری دانسته و معتقدند این مفهوم در قانون اساسی ایران جایگاه مهمی دارد، اما در قوانین عادی با ابهام و پراکندگی روبه‌روست. پورعزت، دمرچی‌لو و کیایی نیز با بررسی قانون اساسی، شاخص‌هایی برای مفهوم‌پردازی منفعت عمومی ارائه کرده‌اند. قامی و کمری از منظر فقهی، تقدم منفعت عمومی بر حقوق مالکانه را با استناد به قواعدی مانند لاضرر و ولایت بر ممتنع تحلیل کرده‌اند. در ادامه، واعظی، عبدی‌پورفرد و مؤمن و آقاشاهی، هداوند و منوری نیز بر نقش منفعت عمومی در حقوق عمومی، حقوق اداری و تصمیمات نهادهای عمومی تأکید کرده‌اند و آن را مفهومی بنیادین اما نیازمند تبیین دقیق‌تر دانسته‌اند.

بین دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی را دشوار می‌کرد. (Vanberg, 2009)

علاوه بر موارد فوق، ضرورت وحدت سیاست رقابتی در بازار را نیز می‌توان از اهداف وضع قواعد رقابتی در اتحادیه اروپایی تلقی کرد. همین امر علت تأکید بر ممنوعیت و کنترل کمک‌های دولتی در قواعد رقابتی اتحادیه اروپایی را توضیح می‌دهد. (Fox, 2000) زیرا در صورتی که کشورهای عضو اتحادیه بدون هیچ‌گونه محدودیتی قادر به تخصیص کمک‌های دولتی باشند، حذف موانع مربوط به تعرفه‌های تجاری و مقابله با موانع ایجادشده توسط شرکت‌های خصوصی نمی‌تواند یک بازار رقابتی واحد را تضمین کند. بنیان‌گذاران جامعه اروپایی بر این باور بودند که کمک‌های دولتی می‌تواند به شرکت‌ها مزیتی ناعادلانه بدهد که عملکرد بازار مشترک را تضعیف کند، لذا به دنبال محدود و مقنن کردن آنها بودند. با تکمیل بازار واحد اروپایی در اوایل دهه ۱۹۹۰، سیاست رقابتی در اتحادیه اروپایی بیشتر به اهداف عادی یا عمومی حقوق رقابت، یعنی جلوگیری از انحراف از رقابت، نزدیک شد و از ایده وحدت بازار فاصله گرفت. این امر باعث تجدیدنظر در اولویت‌های سیاست رقابتی اتحادیه شد، بدین توضیح که اداره کل رقابت اتحادیه اروپایی شروع به مقابله بیشتر با رفتارهای ضد رقابتی دولت‌های عضو در قالب کمک‌ها و انحصارهای دولتی کرد. به لحاظ ماهوی، مهم‌ترین اهداف حقوق رقابت در اتحادیه اروپایی عبارت‌اند از: تضمین رقابت عادلانه، پویایی بازارهای داخلی، افزایش توان رقابتی بنگاه‌های اقتصادی، تسهیل رقابت و ممنوعیت انحصار. علاوه بر این، کارایی اقتصادی و افزایش رفاه را نیز می‌توان در زمره اهداف وضع قواعد رقابتی در اتحادیه اروپایی دانست. در خصوص اینکه منظور از افزایش رفاه چیست، باید خاطرنشان کرد که از تحلیل بند ۳ ماده ۱۰۲ معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی و همچنین مراجعه به ادبیات حقوقی موجود، چنین برمی‌آید که هدف از حقوق رقابت نه افزایش رفاه کلی، بلکه

مبانی نظری، حدود و معیارهای حقوقی آن در تصمیمات رقابتی تبیین شود. از سوی دیگر، در بسیاری از این مطالعات، تمرکز اصلی بر جنبه‌های اقتصادی رقابت و تحلیل رفتارهای ضد رقابتی بوده و پیوند میان حقوق رقابت و مبانی نظری حقوق عمومی اقتصادی، به‌ویژه در ارتباط با اصل منافع عمومی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این امر موجب شده است که جایگاه این اصل در فرایند تصمیم‌گیری شورای رقابت از منظر حقوق عمومی به‌طور دقیق روشن نشود.

از سوی دیگر، هرچند در برخی پژوهش‌های تطبیقی به بررسی نظام حقوق رقابت اتحادیه اروپا و مقایسه آن با حقوق رقابت ایران پرداخته شده است، اما این مقایسه‌ها اغلب در سطح قواعد و ساختارهای نهادی باقی مانده و کمتر به تحلیل مبانی نظری تصمیمات رقابتی، به‌ویژه نحوه تفسیر و اعمال منافع عمومی در این نظام‌ها، توجه شده است. در حالی که در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، مفهوم منافع عمومی در تعامل با مفاهیمی مانند رفاه مصرف‌کننده، کارایی اقتصادی، توسعه بازار داخلی و اهداف اجتماعی مورد بحث قرار گرفته و نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست رقابتی ایفا کرده است.

بر این اساس، خلأ اصلی در ادبیات موجود را می‌توان در فقدان یک مطالعه منسجم دانست که جایگاه اصل منافع عمومی را در تصمیم‌گیری‌های شورای رقابت ایران از منظر حقوق عمومی اقتصادی بررسی کرده و آن را در چارچوب یک تحلیل تطبیقی با نظام حقوق رقابت اتحادیه اروپا تحلیل کند. نبود چنین مطالعه‌ای سبب شده است که مبانی نظری تصمیمات رقابتی در ایران، به‌ویژه در ارتباط با مفهوم منافع عمومی، به‌صورت پراکنده و بدون چارچوب تحلیلی مشخص مورد بررسی قرار گیرد.

نوآوری پژوهش حاضر در آن است که تلاش می‌کند مفهوم منافع عمومی را نه صرفاً به‌عنوان یک مفهوم کلی یا سیاستی، بلکه به‌عنوان یک اصل حقوقی در چارچوب حقوق عمومی اقتصادی

دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها به شورای رقابت، حقوق رقابت و تنظیم‌گری اقتصادی پرداخته‌اند. برزگر جایگاه و وظایف شورای رقابت را در نظام حقوقی ایران بررسی کرده و تشکیل این شورا را پاسخی به انحصارهای اقتصادی دانسته است. خوشوندی و حسینی ماهیت حقوقی شورای رقابت و نحوه تجدیدنظر از آرای آن را تحلیل کرده‌اند. شیخ‌الاسلامی و ابراهیمی با ارزیابی ساختار سازمانی شورا، ضعف استقلال، ترکیب دولتی اعضا و تداخل وظایف را از چالش‌های اصلی آن دانسته‌اند. علالدینی و پوراسلانی نیز با مقایسه قانون رقابت ایران و اتحادیه اروپا، بر ضرورت اصلاح ضمانت‌اجراها و افزایش اختیارات شورای رقابت تأکید کرده‌اند. همچنین میرزاده کوهشاهی (Mirzadeh, 2022)، افتخاری، شجاعی اقبلاغی، ماندنی و محمدیان دستنابی (Mohammadian Dastanaei, 2024) در پژوهش‌های خود به ناکارآمدی‌های قانونی، اجرایی و نهادی شورای رقابت، ضعف ضمانت‌اجراها و ضرورت نظارت قضایی و اقتصادی مؤثرتر بر تصمیمات این شورا اشاره کرده‌اند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت پژوهش‌هایی مانند جوکار، تاجیک و جری موذنی درباره تعارض منافع شرکت‌های دولتی، نجارزاده هنجانی درباره شرکت منفعت عمومی و پروین درباره مسئولیت مدنی شورای رقابت، پیوند میان منفعت عمومی، تنظیم‌گری و مسئولیت نهادهای عمومی را برجسته کرده‌اند. با این حال، بیشتر تحقیقات پیشین یا به‌طور مستقل مفهوم منفعت عمومی را بررسی کرده‌اند یا ساختار و عملکرد شورای رقابت را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بنابراین، خلأ اصلی پیشینه در آن است که ارتباط میان منفعت عمومی، تعارض منافع، حقوق رقابت و مسئولیت شورای رقابت کمتر به‌صورت منسجم و یکپارچه تحلیل شده است.

در واقع، در بخش قابل توجهی از پژوهش‌های موجود، هنگامی که از منافع عمومی سخن به میان می‌آید، این مفهوم غالباً به‌صورت ضمنی و کلی مورد اشاره قرار گرفته و کمتر تلاش شده است که

در واقع، فلسفه وجودی شورای رقابت بر این مبنا استوار است که بازارها در صورت نبود نظارت مؤثر ممکن است با پدیده‌هایی مانند انحصار، تبانی و سوءاستفاده از موقعیت مسلط مواجه شوند؛ پدیده‌هایی که در نهایت منافع عمومی را تهدید می‌کنند. از این رو، شورا از طریق رسیدگی به رفتارهای ضد رقابتی، صدور دستورات اصلاحی و اعمال ضمانت‌اجراهای قانونی تلاش می‌کند شرایط رقابتی در بازارها را حفظ کند. چنین اقداماتی نه تنها به حمایت از بنگاه‌های کوچک‌تر و رقبا کمک می‌کند، بلکه به طور مستقیم بر رفاه مصرف‌کنندگان و کارایی اقتصادی نیز تأثیرگذار است.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های منافع عمومی در رویه‌های شورای رقابت، مقابله با انحصار و تمرکز قدرت اقتصادی است. تمرکز بیش از حد قدرت بازار در دست یک یا چند بنگاه می‌تواند به افزایش قیمت‌ها، کاهش کیفیت کالاها و خدمات و محدود شدن نوآوری منجر شود. به همین دلیل، شورا با بررسی ساختار بازار و رفتار بنگاه‌ها، در مواردی که احتمال شکل‌گیری یا تقویت انحصار وجود دارد مداخله می‌کند. این مداخلات در واقع تلاشی برای حفظ تعادل در بازار و جلوگیری از آسیب به منافع عمومی محسوب می‌شود. (Mousavi & Ahmadi, 2022)

از سوی دیگر، رویه‌های شورای رقابت در بسیاری از موارد به طور غیرمستقیم در راستای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد. هرچند وظیفه اصلی شورا حمایت از رقابت است، اما تقویت رقابت در بازارها معمولاً به کاهش قیمت‌ها، افزایش کیفیت محصولات و بهبود خدمات منجر می‌شود که این امر به نفع مصرف‌کنندگان است. در واقع، رفاه مصرف‌کننده یکی از مهم‌ترین معیارهایی است که در تحلیل‌های حقوق رقابت مورد توجه قرار می‌گیرد و بسیاری از تصمیمات شورای رقابت نیز با در نظر گرفتن این معیار اتخاذ می‌شود. همچنین در برخی بازارها که به دلیل ساختار اقتصادی یا حضور گسترده دولت با محدودیت رقابت مواجه هستند، شورای رقابت به عنوان نهاد تنظیم‌گر تلاش می‌کند

مورد تحلیل قرار دهد و جایگاه آن را در فرایند تصمیم‌گیری شورای رقابت ایران به صورت نظام‌مند بررسی کند. در این راستا، پژوهش حاضر با تحلیل مبانی نظری منافع عمومی، بررسی ساختار و صلاحیت‌های شورای رقابت و مطالعه رویه‌های تصمیم‌گیری در این نهاد، می‌کوشد نشان دهد که این مفهوم چگونه در تصمیمات رقابتی تفسیر و اعمال می‌شود.

از سوی دیگر، نوآوری دیگر این تحقیق در رویکرد تطبیقی آن است. در این پژوهش، تجربه اتحادیه اروپا به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین نظام‌های حقوق رقابت مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نحوه تفسیر و اعمال منافع عمومی در تصمیمات رقابتی این نظام تحلیل شود. مقایسه این تجربه با نظام حقوق رقابت ایران می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف موجود کمک کند و زمینه‌ای برای ارائه پیشنهادهایی در جهت تقویت انسجام و شفافیت تصمیمات شورای رقابت فراهم آورد.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر می‌کوشد با پیوند دادن مباحث حقوق رقابت با مبانی نظری حقوق عمومی اقتصادی و با بهره‌گیری از روش تطبیقی، خلأ موجود در ادبیات حقوقی ایران درباره جایگاه اصل منافع عمومی در تصمیم‌گیری‌های رقابتی را تا حدی جبران کند و چارچوبی تحلیلی برای فهم بهتر نقش این اصل در سیاست رقابتی ارائه دهد.

### ۱. تجلی منافع عمومی در رویه‌های شورای رقابت ایران

منافع عمومی در حقوق رقابت به مجموعه‌ای از اهداف و ارزش‌هایی اشاره دارد که در نهایت به بهبود رفاه عمومی، حفظ کارایی بازارها، جلوگیری از تمرکز قدرت اقتصادی و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان منجر می‌شود. در نظام حقوقی ایران، شورای رقابت به عنوان نهاد ناظر بر اجرای قواعد رقابتی، نقشی اساسی در تحقق این اهداف ایفا می‌کند. به همین دلیل، تصمیمات، دستورالعمل‌ها و رویه‌های این شورا را می‌توان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تجلی منافع عمومی در نظام اقتصادی کشور دانست.

از طریق مداخلات تنظیمی از منافع عمومی صیانت کند. به‌ویژه در بازارهایی که ساختار انحصاری دارند، شورا ممکن است با تعیین چارچوب‌هایی برای قیمت‌گذاری یا تنظیم شرایط رقابت، از سوءاستفاده از قدرت بازار جلوگیری کند. مطالعات جدید نیز نشان می‌دهد که چنین مداخلاتی، به‌ویژه در بازارهایی مانند خودرو یا برخی خدمات دیجیتال، با هدف جلوگیری از آسیب به منافع عمومی و حفظ تعادل در بازار صورت می‌گیرد.

علاوه بر این، یکی دیگر از ابعاد تجلی منافع عمومی در عملکرد شورای رقابت، رعایت اصول شفافیت و عدالت در فرایند رسیدگی به پرونده‌هاست. انتشار آرای شورا، استدلال‌های حقوقی و اقتصادی در تصمیمات، و امکان اعتراض به تصمیمات شورا در مراجع قضایی از جمله عواملی هستند که به تقویت اعتماد عمومی به نظام تنظیم‌گری اقتصادی کمک می‌کنند. در واقع، تحقق منافع عمومی صرفاً به نتیجه تصمیمات شورا محدود نمی‌شود، بلکه به شیوه اتخاذ تصمیم و رعایت اصول دادرسی منصفانه نیز وابسته است. (Mirzadeh Kuhshahi, 2022)

در مجموع، بررسی رویه‌های شورای رقابت نشان می‌دهد که این نهاد از طریق مقابله با رفتارهای ضد رقابتی، حمایت غیرمستقیم از حقوق مصرف‌کنندگان، مداخله تنظیمی در بازارهای انحصاری و رعایت اصول شفافیت در تصمیم‌گیری، نقش مهمی در تحقق و صیانت از منافع عمومی در نظام اقتصادی ایران ایفا می‌کند. با این حال، میزان موفقیت شورا در تحقق این اهداف تا حد زیادی به تقویت استقلال نهادی، شفافیت در صلاحیت‌ها و افزایش ضمانت اجرای تصمیمات آن وابسته است.

#### ۱-۱-۱ حمایت از مصرف‌کننده در تصمیمات شورا

شورای رقابت در نظام حقوقی ایران صرفاً نهادی برای حمایت از بنگاه‌ها یا تنظیم روابط میان رقبا نیست، بلکه یکی از کارکردهای مهم آن صیانت از منافع مصرف‌کننده در برابر آثار منفی انحصار و رفتارهای ضد رقابتی است. حمایت از مصرف‌کننده در تصمیمات

شورا زمانی تحقق پیدا می‌کند که این نهاد با ابزارهای نظارتی و تنظیمی خود، از افزایش نامتعارف قیمت‌ها، کاهش کیفیت کالا و خدمات، و تحمیل شرایط ناعادلانه به خریداران جلوگیری کند. از این منظر، تصمیمات شورا به‌ویژه در بازارهای غیررقابتی یا انحصاری، نقش مهمی در پاسداری از حقوق مصرف‌کنندگان دارد.

#### ۱-۱-۱ کنترل قیمت و تنظیم بازار

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های حمایت از مصرف‌کننده در تصمیمات شورای رقابت، ورود این نهاد به حوزه کنترل قیمت و تنظیم بازار است. در شرایطی که بازار از رقابت مؤثر برخوردار نیست، رها کردن قیمت‌ها به سازوکار عرضه و تقاضا می‌تواند به افزایش‌های غیرمنطقی و آسیب به مصرف‌کننده منجر شود. در چنین وضعی، شورای رقابت با هدف جلوگیری از سوءاستفاده بنگاه‌های مسلط یا بازارهای انحصاری، به تعیین ضوابط قیمتی یا اعلام چارچوب‌های افزایش قیمت اقدام می‌کند. این مداخله، هرچند استثنایی و محدود است، اما از منظر حمایت از مصرف‌کننده توجیه‌پذیر است؛ زیرا مانع تحمیل هزینه‌های غیرعادلانه به مردم می‌شود.

در پرونده‌های مرتبط با خودرو، تصمیمات شورای رقابت در زمینه سقف افزایش قیمت یا ابلاغ ضوابط فروش، نمونه روشنی از همین کارکرد حمایتی است. در واقع، شورا با کنترل قیمت در بازاری که رقابت مؤثر در آن ضعیف است، تلاش می‌کند از زیان مصرف‌کنندگان و گسترش بی‌ثباتی قیمتی جلوگیری کند. البته این نوع مداخله همواره با نقدهایی همراه بوده، اما از منظر حقوق رقابت، در بازارهای انحصاری می‌تواند ابزار موقتی و ضروری برای حفظ منافع مصرف‌کننده تلقی شود. (Mirzaei, 2025)

#### ۱-۱-۲ مقابله با رفتارهای ضد رقابتی

وجه دیگر حمایت از مصرف‌کننده در تصمیمات شورا، مقابله با رفتارهای ضد رقابتی است. رفتارهایی مانند تبانی، سوءاستفاده از موقعیت مسلط، محدودسازی عرضه و ایجاد انحصار، به‌طور

نهادهای تنظیم‌گر ناگزیرند علاوه بر اصول رقابت، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی تصمیمات خود را نیز مورد توجه قرار دهند. در ایران نیز شورای رقابت در برخی تصمیمات خود تلاش کرده است میان حفظ رقابت در بازار و حمایت از اهداف کلان اقتصادی، مانند تقویت تولید داخلی و مدیریت بازارهای انحصاری، نوعی توازن برقرار کند. این ملاحظات نشان می‌دهد که شورا در عمل نه تنها یک نهاد حقوقی، بلکه بخشی از نظام تنظیم‌گری اقتصادی کشور محسوب می‌شود.

### ۱-۲-۱ حمایت از تولید داخلی

یکی از ملاحظات مهم در تصمیمات شورای رقابت، توجه به وضعیت تولید داخلی و نقش آن در اقتصاد ملی است. در اقتصادی مانند ایران که بخش قابل توجهی از اشتغال و ارزش افزوده به صنایع داخلی وابسته است، تصمیمات نهادهای تنظیم‌گر می‌تواند آثار قابل توجهی بر وضعیت تولیدکنندگان داشته باشد. از این رو، شورای رقابت در برخی موارد تلاش کرده است ضمن جلوگیری از رفتارهای ضد رقابتی، شرایطی را فراهم کند که تولیدکنندگان داخلی نیز بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند و با چالش‌های غیرضروری مواجه نشوند. برای مثال، در برخی تصمیمات مرتبط با بازار خودرو یا سایر صنایع دارای ساختار محدود رقابتی، شورا تلاش کرده است میان حمایت از مصرف‌کننده و حفظ توان تولید داخلی تعادل ایجاد کند. این رویکرد نشان می‌دهد که شورا در اتخاذ تصمیمات خود صرفاً به شاخص‌های رقابتی توجه نمی‌کند، بلکه آثار اقتصادی تصمیمات بر اشتغال، سرمایه‌گذاری و استمرار فعالیت بنگاه‌های داخلی را نیز در نظر می‌گیرد. (Mansourian

& Sheibani, 2016)

با این حال، برخی صاحب‌نظران تأکید می‌کنند که حمایت از تولید داخلی نباید به گونه‌ای باشد که به تضعیف رقابت یا استمرار انحصار منجر شود؛ زیرا در بلندمدت چنین وضعیتی می‌تواند به کاهش کارایی اقتصادی و آسیب به رفاه مصرف‌کنندگان بینجامد.

مستقیم به زیان مصرف‌کنندگان تمام می‌شود؛ زیرا موجب افزایش قیمت، کاهش انتخاب و افت کیفیت کالا و خدمات می‌گردد. شورای رقابت با رسیدگی به این گونه رفتارها، در واقع از حقوق مصرف‌کننده در برابر آثار منفی قدرت بازار دفاع می‌کند.

در برخی گزارش‌ها و تحلیل‌های جدید، تأکید شده است که کنار گذاشته شدن شورای رقابت از برخی تصمیمات مربوط به قیمت‌گذاری و تنظیم بازار، می‌تواند به تضعیف حمایت از مصرف‌کننده منجر شود. این موضوع نشان می‌دهد که نقش شورا در مقابله با رفتارهای ضد رقابتی صرفاً یک وظیفه فنی نیست، بلکه به‌طور مستقیم با حفظ منافع عمومی و حمایت از مصرف‌کننده پیوند دارد. از سوی دیگر، در بازارهایی مانند خودرو که ساختار آنها به‌طور تاریخی با انحصار و تمرکز بالا همراه بوده است، مداخله شورا در برابر رفتارهای ضد رقابتی، اهمیت بیشتری می‌یابد. به‌ویژه در مواردی که برخی عرضه‌کنندگان با ایجاد کمبود مصنوعی، قیمت‌ها را افزایش می‌دهند یا شرایط ناعادلانه‌ای برای خریداران ایجاد می‌کنند، تصمیمات شورای رقابت می‌تواند مانع از گسترش آسیب به مصرف‌کنندگان شود.

در مجموع، حمایت از مصرف‌کننده در تصمیمات شورای رقابت از دو مسیر اصلی تحقق می‌یابد: نخست، از طریق کنترل قیمت و تنظیم بازار در شرایط انحصاری؛ و دوم، از طریق مقابله با رفتارهای ضد رقابتی که منافع مصرف‌کنندگان را تهدید می‌کنند. بنابراین، شورا در نظام اقتصادی ایران نه فقط نهادی رقابتی، بلکه نهادی حافظ منافع مصرف‌کننده نیز به شمار می‌رود.

### ۱-۲ ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در تصمیمات شورا

تصمیمات شورای رقابت صرفاً مبتنی بر تحلیل‌های حقوقی و رقابتی نیست، بلکه در بسیاری از موارد با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور اتخاذ می‌شود. در نظام‌های حقوق رقابت، به‌ویژه در اقتصادهایی که با ساختارهای انحصاری، حضور گسترده دولت در بازار و محدودیت‌های ساختاری مواجه هستند،

از این رو، شورای رقابت باید میان اهداف حمایتی و اصول رقابت توازن برقرار کند.

#### ۱-۲-۲ مدیریت بازارهای انحصاری

یکی دیگر از ابعاد مهم ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در تصمیمات شورای رقابت، مدیریت بازارهای انحصاری یا کم رقابت است. در بسیاری از بخش‌های اقتصادی ایران، ساختار بازار به گونه‌ای است که رقابت کامل میان بنگاه‌ها وجود ندارد و برخی بازارها تحت تأثیر انحصار یا تمرکز اقتصادی قرار دارند. در چنین شرایطی، نقش شورای رقابت به عنوان نهاد تنظیم‌گر اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

شورا در مواجهه با این بازارها تلاش می‌کند با ابزارهایی مانند تعیین دستورالعمل‌های قیمت‌گذاری، نظارت بر رفتار بنگاه‌های مسلط و رسیدگی به شکایات مربوط به سوءاستفاده از موقعیت مسلط، از بروز اختلال در بازار جلوگیری کند. هدف از این اقدامات، ایجاد نوعی تعادل در بازار و جلوگیری از سوءاستفاده بنگاه‌های بزرگ از قدرت اقتصادی خود است. در برخی تحلیل‌های اقتصادی نیز اشاره شده است که در بازارهای انحصاری، نبود مداخله تنظیم‌گر می‌تواند به افزایش قیمت‌ها، کاهش کیفیت کالاها و خدمات و محدود شدن انتخاب مصرف‌کنندگان منجر شود. از این رو، مداخله شورای رقابت در چنین بازارهایی در واقع اقدامی برای حفظ تعادل اقتصادی و حمایت از منافع عمومی محسوب می‌شود. (Mohammadian

(Dastanaei, 2024)

در مجموع، توجه به ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در تصمیمات شورای رقابت نشان می‌دهد که این نهاد علاوه بر اجرای قواعد حقوق رقابت، تلاش می‌کند آثار گسترده‌تر تصمیمات خود بر اقتصاد و جامعه را نیز در نظر بگیرد. ایجاد تعادل میان حمایت از تولید داخلی، حفظ رقابت در بازار و مدیریت بازارهای انحصاری

از جمله چالش‌های مهمی است که شورا در فرایند تصمیم‌گیری با آن مواجه است.

#### ۲. مفهوم منافع عمومی در سیاست رقابتی اتحادیه اروپا

مفهوم «منافع عمومی» در سیاست رقابتی اتحادیه اروپا یکی از مباحث نظری مهم و در عین حال پیچیده در حقوق رقابت اروپاست. در نگاه نخست، حقوق رقابت اتحادیه اروپا بر حفظ رقابت مؤثر در بازار داخلی تمرکز دارد و هدف اصلی آن جلوگیری از تحریف رقابت از طریق تبانی، سوءاستفاده از موقعیت مسلط و ادغام‌های ضد رقابتی است. با این حال، رقابت در نظام حقوقی اتحادیه اروپا صرفاً یک هدف اقتصادی صرف نیست، بلکه ابزاری برای تحقق اهداف گسترده‌تر معاهده، از جمله رفاه مصرف‌کنندگان، کارایی اقتصادی، یکپارچگی بازار داخلی و حتی برخی اهداف اجتماعی محسوب می‌شود. از این منظر، منافع عمومی در سیاست رقابتی اتحادیه اروپا مفهومی چندبعدی است که میان کارایی اقتصادی و سایر ارزش‌های عمومی توازن برقرار می‌کند.

در مرحله نخست باید توجه داشت که سیاست رقابتی اتحادیه اروپا در چارچوب اهداف کلی معاهدات اتحادیه تعریف می‌شود. مطابق ماده ۳ معاهده اتحادیه اروپا، اتحادیه در پی ایجاد بازار داخلی و توسعه پایدار بر پایه رشد اقتصادی متوازن، اقتصاد اجتماعی بازار رقابتی، اشتغال کامل و پیشرفت اجتماعی است. بنابراین، رقابت در این نظام نه صرفاً برای حمایت از رقبای، بلکه برای تضمین عملکرد صحیح بازار داخلی و افزایش رفاه عمومی اهمیت دارد. این امر نشان می‌دهد که سیاست رقابتی بخشی از سازوکار تحقق منافع عمومی در سطح اتحادیه است.

در تحلیل سنتی حقوق رقابت اتحادیه اروپا، منافع عمومی عمدتاً از طریق مفهوم «رقابت مؤثر» و «رفاه مصرف‌کننده» محقق می‌شود. کمیسیون اروپا و دادگاه‌های اتحادیه بارها تأکید کرده‌اند که هدف نهایی قواعد رقابتی، حمایت از ساختار رقابتی بازار به نفع

اقتصادی، نوآوری یا ارتقای فناوری به عنوان عامل توجیه کننده محدودیت های رقابتی مطرح شود.

در حوزه کنترل ادغام ها نیز مفهوم منافع عمومی قابل مشاهده است. بر اساس مقرر ۲۰۰۴/۱۳۹، کمیسیون اروپا موظف است بررسی کند که آیا ادغام مورد نظر منجر به ایجاد یا تقویت موقعیت مسلط و در نتیجه اخلال در رقابت مؤثر در بازار داخلی می شود یا خیر. هرچند تحلیل کمیسیون عمدتاً اقتصادی است، اما برخی دولت های عضو می توانند در موارد خاص، به دلایل مشخصی مانند امنیت عمومی، تنوع رسانه ای یا ثبات نظام مالی، ملاحظات منافع عمومی را در بررسی ادغام ها مطرح کنند. این امر نشان دهنده آن است که سیاست رقابتی اتحادیه اروپا در خلأ عمل نمی کند، بلکه در تعامل با سایر سیاست های عمومی قرار دارد.

در سال های اخیر، بحث درباره نقش گسترده تر منافع عمومی در سیاست رقابتی شدت گرفته است. چالش های نوظهوری مانند اقتصاد دیجیتال، تمرکز قدرت در پلتفرم های بزرگ، تغییرات اقلیمی و ضرورت گذار به اقتصاد سبز، پرسش هایی درباره حدود و دامنه اهداف سیاست رقابتی ایجاد کرده اند. برخی نظریه پردازان بر این باورند که حقوق رقابت باید به طور فعال تر در خدمت اهدافی همچون عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت یا پایداری زیست محیطی قرار گیرد. در مقابل، دیدگاه سستی تر بر این نکته تأکید دارد که تمرکز اصلی سیاست رقابتی باید حفظ رقابت مؤثر و کارایی اقتصادی باشد و ورود بیش از حد اهداف غیررقابتی می تواند موجب تضعیف پیش بینی پذیری و انسجام حقوق رقابت شود.

کمیسیون اروپا در اسناد جدید خود کوشیده است میان این دیدگاه ها تعادل برقرار کند. برای نمونه، در راهنماهای جدید همکاری های افقی، امکان در نظر گرفتن توافقات مرتبط با پایداری زیست محیطی در چارچوب تحلیل ماده ۱۰۱ مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد نشان می دهد که مفهوم منافع عمومی

مصرف کنندگان است، نه صرفاً حمایت از رقبا به عنوان اشخاص اقتصادی. به همین دلیل، رفتارهایی که منجر به افزایش قیمت، کاهش کیفیت، محدود شدن نوآوری یا کاهش تنوع محصولات شوند، با اهداف رقابتی ناسازگار تلقی می شوند. در این چارچوب، رفاه مصرف کننده به عنوان یکی از مهم ترین تجلیات منافع عمومی در سیاست رقابتی شناخته می شود.

با این حال، مفهوم منافع عمومی در حقوق رقابت اتحادیه اروپا محدود به رفاه مصرف کننده نیست. در برخی موارد، اهدافی همچون حمایت از نوآوری، تضمین دسترسی برابر به زیرساخت های اساسی، حفظ تنوع رسانه ای، امنیت عرضه انرژی یا حتی ملاحظات زیست محیطی نیز در تحلیل رقابتی مورد توجه قرار گرفته اند. برای نمونه، در حوزه خدمات عمومی، ماده ۱۰۶ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا به دولت های عضو اجازه می دهد که برای ارائه خدمات اقتصادی عمومی، برخی محدودیت های رقابتی را توجیه کنند، مشروط بر آنکه این محدودیت ها برای انجام مأموریت عمومی ضروری و متناسب باشند. این مقرر نشان می دهد که نظام رقابت اتحادیه اروپا امکان موازنه میان رقابت و اهداف عمومی خاص را پیش بینی کرده است.

ماده ۱۰۱ بند ۳ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا نیز نمونه ای دیگر از توجه به منافع عمومی در سیاست رقابتی است. این ماده مقرر می دارد که توافقاتی محدود کننده رقابت می توانند از شمول ممنوعیت خارج شوند، اگر موجب بهبود تولید یا توزیع کالاها یا ارتقای پیشرفت فنی یا اقتصادی شوند و سهم منصفانه ای از منافع حاصل را برای مصرف کنندگان فراهم کنند، بدون آنکه محدودیت های غیرضروری ایجاد نمایند یا امکان حذف رقابت را فراهم آورند. در اینجا قانون گذار اروپایی به صراحت میان محدودیت رقابت و منافع اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن توازن برقرار کرده است. بنابراین، منافع عمومی می تواند در قالب کارایی

۲۰۰۳/۱ و انتشار اسناد سیاستی کمیسیون، به‌ویژه «راهنمای اجرای ماده ۱۰۲» در سال ۲۰۰۹، تحلیل اقتصادی و تمرکز بر آثار واقعی رفتارها بر رفاه مصرف‌کننده اهمیت بیشتری یافت. در این چارچوب، رفتار یک بنگاه تنها زمانی مداخله‌پذیر تلقی می‌شود که بتوان نشان داد آثار آن به زیان مصرف‌کنندگان و از طریق تضعیف رقابت مؤثر است.

رفاه مصرف‌کننده در حقوق رقابت اتحادیه معمولاً به معنای تضمین قیمت‌های رقابتی، کیفیت بالاتر، تنوع بیشتر و نوآوری مستمر است. بنابراین، رقابت نه صرفاً برای حمایت از رقبای، بلکه برای حفظ فرایند رقابتی به نفع مصرف‌کنندگان حمایت می‌شود. دادگاه در پرونده‌هایی چون *GlaxoSmithKline (C-501/06 P)* [پرونده *GlaxoSmithKline Services Unlimited v Commission* با شماره *C-501/06 P* از آرای مهم دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در تبیین هدف ماده ۱۰۱ TFEU و نسبت آن با رفاه مصرف‌کننده، ساختار رقابت و تحلیل آثار به شمار می‌رود. این پرونده به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که دیوان در آن روشن ساخت حقوق رقابت اتحادیه اروپا صرفاً برای حمایت از رقبای موجود وضع نشده، بلکه هدف آن حفظ فرایند رقابتی در بازار به نفع مصرف‌کنندگان است. از همین رو، این رأی در مباحث نظری مربوط به مبانی حقوق رقابت، به‌ویژه در پیوند میان «رقابت به مثابه ساختار بازار» و «رفاه مصرف‌کننده» جایگاه برجسته‌ای دارد.

اختلاف از نظام توزیع دارویی شرکت *GlaxoSmithKline (GSK)* در اسپانیا ناشی شد. این شرکت در قراردادهای خود با عمده‌فروشان دارویی، نظامی از قیمت‌گذاری دوگانه (dual pricing) پیش‌بینی کرده بود. بر اساس این نظام، داروهایی که برای مصرف داخلی در اسپانیا فروخته می‌شدند با قیمتی متفاوت از داروهایی عرضه می‌شدند که احتمال صادرات آنها به سایر

در سیاست رقابتی اتحادیه اروپا پویا و در حال تحول است و می‌تواند با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی بازتفسیر شود.

(European Commission, 2021)

در نهایت می‌توان گفت که منافع عمومی در سیاست رقابتی اتحادیه اروپا مفهومی چندلایه است که در هسته خود بر حفظ رقابت مؤثر و رفاه مصرف‌کننده استوار است، اما در عین حال امکان موازنه با سایر اهداف عمومی را نیز فراهم می‌کند. این نظام نه به‌طور مطلق رقابت را بر همه ارزش‌ها مقدم می‌دارد و نه آن را تابع کامل اهداف سیاسی و اجتماعی می‌سازد، بلکه از طریق سازوکارهای حقوقی مشخص، تعادلی میان کارایی اقتصادی و سایر ملاحظات عمومی برقرار می‌کند. همین انعطاف‌پذیری یکی از ویژگی‌های مهم و متمایزکننده سیاست رقابتی اتحادیه اروپا در مقایسه با بسیاری از نظام‌های دیگر است.

## ۲-۱ رفاه مصرف‌کننده به‌عنوان معیار اصلی

در تحول مفهومی حقوق رقابت اتحادیه اروپا، به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، «رفاه مصرف‌کننده» به تدریج به معیار محوری در ارزیابی رفتارهای ضدرقابتی تبدیل شده است. اگرچه در متون اولیه معاهدات اروپایی تصریح مستقیمی به مفهوم رفاه مصرف‌کننده دیده نمی‌شود، اما تفسیر دادگاه عدالت اتحادیه اروپا و سیاست‌های اجرایی کمیسیون نشان می‌دهد که هدف نهایی از اجرای مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ TFEU تضمین ساختار رقابتی بازار به نحوی است که منافع مصرف‌کنندگان حفظ و تقویت شود. این تحول تا حد زیادی تحت تأثیر تحلیل اقتصادی مدرن و همگرایی با رویکرد مبتنی بر آثار [Effects-based approach] شکل گرفته است.

(European Commission, 2021)

در گذشته، رویکرد حقوق رقابت اتحادیه بیشتر ساختارمحور و شکلی بود؛ به این معنا که برخی رفتارها ذاتاً ضدرقابتی تلقی می‌شدند، بدون آنکه تحلیل اقتصادی گسترده‌ای درباره آثار واقعی آنها انجام شود. اما از زمان اصلاحات اجرایی ناشی از مقرر

از منافع فوری مصرف‌کنندگان نهایی در قالب کاهش قیمت نیست، بلکه حفظ ساختار رقابتی بازار نیز خود بخشی از حمایت از مصرف‌کنندگان محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، اگر توافقی ماهیتاً به محدودسازی رقابت و تقسیم بازار بینجامد، صرف این ادعا که ممکن است در سطحی دیگر برخی منافع اقتصادی ایجاد کند، برای خروج آن از قلمرو ماده ۱۰۱(۱) کافی نیست.

مسئله اساسی این بود که آیا توافقی که تجارت موازی را محدود می‌کند، خودبه‌خود در زمره توافقاتی محدودکننده رقابت قرار می‌گیرد یا اینکه باید نشان داده شود که این توافق به‌طور ملموس به رفاه مصرف‌کننده لطمه زده است. GSK می‌کوشید استدلال کند که کاهش تجارت موازی لزوماً به معنی کاهش رقابت مؤثر نیست، زیرا تجارت موازی بیشتر بر اختلافات قیمتی میان کشورها متکی است و نه بر رقابت نوآورانه یا تولیدی. افزون بر این، شرکت مدعی بود که سود حاصل از این محدودیت‌ها می‌تواند در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری شده و در بلندمدت به نفع مصرف‌کنندگان باشد.

دیوان این استدلال را به‌طور کامل نپذیرفت. رأی دیوان نشان داد که توافقی‌هایی که هدف آنها تجزیه بازارهای ملی و محدود کردن جریان آزاد تجارت در بازار داخلی اتحادیه است، اصولاً از دید حقوق رقابت بسیار حساس‌اند. در منطق اتحادیه اروپا، یکپارچگی بازار داخلی ارزشی فراتر از صرف محاسبات کوتاه‌مدت قیمتی دارد و توافقی که مانع این یکپارچگی شود، به‌سادگی نمی‌تواند از شمول ماده ۱۰۱(۱) خارج گردد. تأکید کرده است که هدف ماده ۱۰۱ حمایت از ساختار رقابت در بازار است، زیرا این ساختار شرط لازم برای رفاه مصرف‌کنندگان است. همچنین در چارچوب ماده ۱۰۱(۳)، شرط «سهم منصفانه مصرف‌کنندگان از منافع» به‌طور مستقیم نشان می‌دهد که کارایی‌های اقتصادی تنها زمانی قابل پذیرش‌اند که به مصرف‌کنندگان منتقل شوند.

کشورهای عضو اتحادیه وجود داشت. انگیزه اصلی این سیاست، مقابله با تجارت موازی (parallel trade) بود.

تجارت موازی در بازار دارویی اتحادیه اروپا از تفاوت قیمت دارو میان کشورهای عضو ناشی می‌شود. عمده‌فروشان دارو را از کشورهای با قیمت پایین‌تر خریداری و در کشورهای با قیمت بالاتر مجدداً عرضه می‌کنند. این پدیده، هرچند ممکن است حاشیه سود تولیدکننده را کاهش دهد، در منطق بازار واحد اروپا معمولاً به‌عنوان یکی از مظاهر آزادسازی تجارت و یکپارچگی بازار داخلی تلقی می‌شود.

کمیسیون اروپا این شرط قراردادی GSK را مغایر ماده ۸۱(۱) معاهده جامعه اروپا سابق (اکنون ماده ۱۰۱(۱) TFEU) دانست؛ زیرا هدف و اثر آن محدودسازی تجارت موازی و تجزیه بازار داخلی بود. GSK در دفاع از خود استدلال می‌کرد که محدودسازی تجارت موازی لزوماً به زیان رقابت میان‌برندی (inter-brand competition) نیست و حتی می‌تواند با حفظ منابع مالی شرکت، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه دارویی را تقویت کند.

کمیسیون ابتدا تصمیم گرفت که شرط قیمت‌گذاری دوگانه موضوع قراردادهای GSK، محدودکننده رقابت به موجب ماده ۸۱(۱) است. در عین حال، درباره امکان بهره‌مندی از استثنای ماده ۸۱(۳) نیز بررسی صورت گرفت. پرونده سپس به دادگاه بدوی (Court of First Instance؛ امروزه General Court) ارجاع شد. دادگاه بدوی در بخشی از رأی خود با استدلالی نسبتاً ظریف اعلام کرد که کمیسیون در تحلیل برخی آثار اقتصادی و در بررسی امکان اعمال ماده ۸۱(۳) به اندازه کافی دقیق عمل نکرده است. همین موضوع به تجدیدنظر در برابر دیوان دادگستری انجامید.

دیوان دادگستری در رأی نهایی خود، چارچوب مهمی برای فهم ماده ۱۰۱ ارائه کرد و تأکید نمود که هدف ماده ۱۰۱ تنها حمایت

مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) و همچنین در کنترل ادغام‌ها استفاده می‌شود. هدف اصلی آن بررسی این است که آیا مصرف‌کنندگان در صورت افزایش قیمت یک محصول، به محصولات دیگر روی می‌آورند یا خیر؛ زیرا این واکنش نشان می‌دهد که چه کالاها یا خدماتی در یک بازار رقابتی واحد قرار می‌گیرند.

مبنای نظری آزمون SSNIP بر مفهوم جانشینی تقاضا (Demand Substitution) استوار است. در تحلیل رقابت، بازار مربوطه مجموعه‌ای از محصولات یا خدماتی است که از دید مصرف‌کننده قابل جایگزینی هستند. آزمون SSNIP برای تشخیص این جانشینی از یک سناریوی فرضی استفاده می‌کند. در این سناریو فرض می‌شود که یک «انحصارگر فرضی» کنترل عرضه یک محصول خاص را در اختیار دارد. سپس بررسی می‌شود که اگر این انحصارگر قیمت محصول را به میزان کوچک اما قابل توجه و غیرموقتی افزایش دهد، آیا مصرف‌کنندگان به محصولات جایگزین روی خواهند آورد یا خیر. اگر تعداد کافی از مصرف‌کنندگان به سمت محصولات دیگر حرکت کنند، به گونه‌ای که افزایش قیمت سودآور نباشد، نتیجه گرفته می‌شود که آن محصولات جایگزین نیز بخشی از همان بازار مربوطه هستند. در عمل، افزایش قیمت مورد نظر در آزمون SSNIP معمولاً در حدود ۵ تا ۱۰ درصد در نظر گرفته می‌شود و فرض می‌شود که این افزایش برای مدتی پایدار باقی می‌ماند. اگر چنین افزایشی باعث شود که مصرف‌کنندگان به طور گسترده به محصولات دیگر روی آورند، این نشان می‌دهد که آن محصولات از نظر مصرف‌کنندگان جانشین نزدیک هستند و باید در تعریف بازار لحاظ شوند. در مقابل، اگر مصرف‌کنندگان به طور قابل توجهی واکنش نشان ندهند و افزایش قیمت همچنان سودآور باقی بماند، بازار مربوطه می‌تواند محدود به همان محصول اولیه تلقی شود.

با این حال، در ادبیات حقوقی بحث‌هایی درباره دامنه دقیق مفهوم رفاه مصرف‌کننده مطرح است. برخی آن را محدود به «رفاه کوتاه‌مدت قیمتی» می‌دانند، در حالی که تفسیر غالب در اتحادیه اروپا آن را مفهومی گسترده‌تر می‌بیند که نوآوری، کیفیت و پویایی بازار را نیز شامل می‌شود. در این معنا، رفاه مصرف‌کننده با «حفظ رقابت مؤثر» پیوند خورده است و از آن جدایی ناپذیر است.

## ۲-۱-۱ تحلیل اقتصادی رقابت

تحلیل اقتصادی رقابت، ستون نظری رویکرد نوین اتحادیه اروپا در اجرای حقوق رقابت محسوب می‌شود. این تحلیل بر مفاهیمی چون قدرت بازار، کشش تقاضا، هزینه نهایی، ساختار بازار، موانع ورود و آثار رفاهی رفتارهای بنگاه‌ها استوار است. هدف آن ارزیابی این است که آیا رفتار مورد نظر موجب کاهش رفاه مصرف‌کننده از طریق افزایش قیمت، کاهش کیفیت، محدودسازی تولید یا جلوگیری از نوآوری می‌شود یا خیر.

در چارچوب ماده ۱۰۱، تحلیل اقتصادی به‌ویژه در ارزیابی توافقی‌هایی اهمیت دارد که ممکن است هم آثار محدودکننده رقابت و هم آثار کارایی‌زا داشته باشند. کمیسیون در «راهنمای اجرای ماده ۱۰۱(۳)» (۲۰۰۴) تصریح می‌کند که ارزیابی توافقی‌ها باید مبتنی بر تحلیل آثار واقعی آنها بر بازار باشد، نه صرفاً شکل حقوقی آنها. به همین ترتیب، در حوزه ماده ۱۰۲، کمیسیون در «Guidance Paper on Article 102» (۲۰۰۹) تأکید می‌کند که تمرکز اصلی بر رفتارهایی است که احتمالاً رقبا را به گونه‌ای طرد می‌کند که به زیان مصرف‌کنندگان تمام شود. (Jones & Sufrin, 2019)

تحلیل اقتصادی همچنین در تعریف بازار مربوطه، نقش اساسی دارد. آزمون «جانشینی تقاضا» و آزمون [آزمون SSNIP (Small but Significant Non-transitory Increase in Price)] یکی از ابزارهای تحلیلی مهم در حقوق رقابت و اقتصاد صنعتی برای تعیین بازار مربوطه (Relevant Market) است. این آزمون به‌ویژه در رویه کمیسیون اروپا و مقامات رقابت برای تحلیل

تقاضا، شواهد رفتاری مصرف‌کنندگان یا تحلیل‌های اقتصادی مکمل استفاده کنند.

علاوه بر جانشینی تقاضا، گاهی جانشینی عرضه (Supply Substitution) نیز در تعریف بازار مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر تولیدکنندگان دیگر بتوانند در کوتاه‌مدت و بدون هزینه قابل توجه، تولید خود را به محصول مورد نظر تغییر دهند، این تولیدکنندگان نیز ممکن است بخشی از همان بازار تلقی شوند. با این حال، در رویه اتحادیه اروپا، آزمون SSNIP عمدتاً بر رفتار مصرف‌کنندگان و جانشینی تقاضا متمرکز است.

در نهایت، آزمون SSNIP نقش بنیادی در تحلیل رقابت دارد، زیرا تعریف صحیح بازار مربوطه پیش‌شرط ارزیابی بسیاری از مسائل حقوق رقابت است، از جمله تعیین قدرت بازار، موقعیت مسلط، آثار ادغام‌ها و ارزیابی توافقات ضد رقابتی. به همین دلیل، این آزمون یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحلیلی در اقتصاد رقابت و اجرای مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ TFEU محسوب می‌شود. [SSNIP برای تعیین حدود بازار بر مبنای واکنش مصرف‌کنندگان به افزایش قیمت، نمونه‌ای از کاربرد ابزارهای اقتصادی در تحلیل رقابت است. بدون تعریف دقیق بازار، ارزیابی قدرت بازار و در نتیجه تشخیص آثار رفتار بنگاه‌ها ممکن نیست.

افزون بر این، تحلیل اقتصادی به تمایز میان رقابت مشروع و رقابت مخرب کمک می‌کند. برای مثال، قیمت‌گذاری تهاجمی تنها زمانی سوءاستفاده‌آمیز تلقی می‌شود که قیمت‌ها به زیر هزینه‌های مشخصی سقوط کرده و احتمال حذف رقبا و افزایش بعدی قیمت‌ها وجود داشته باشد (AKZO, Case C-62/86). در غیر این صورت، قیمت پایین ممکن است نتیجه رقابت سالم و به نفع مصرف‌کننده باشد. بنابراین، تحلیل اقتصادی ابزاری برای جلوگیری از مداخله بیش از حد و حفظ تعادل میان حمایت از رقابت و آزادی تجاری است.

فرایند اجرای آزمون SSNIP معمولاً به صورت مرحله‌ای انجام می‌شود. ابتدا یک محصول یا گروه کوچک از محصولات به عنوان نقطه شروع انتخاب می‌شود. سپس فرض افزایش قیمت برای آن محصول مطرح می‌شود. اگر افزایش قیمت سودآور نباشد، زیرا مصرف‌کنندگان به محصولات دیگر روی می‌آورند، آن محصولات نیز به بازار مربوطه اضافه می‌شوند. این فرایند تا زمانی ادامه می‌یابد که مجموعه‌ای از محصولات شناسایی شود که افزایش قیمت فرضی در آن مجموعه برای یک انحصارگر فرضی سودآور باشد. در این مرحله، محدوده بازار مربوطه مشخص شده تلقی می‌شود. آزمون SSNIP در حقوق رقابت اتحادیه اروپا به طور رسمی در اطلاعیه کمیسیون درباره تعریف بازار مربوطه در حقوق رقابت اتحادیه اروپا (Commission Notice on the Definition of the Relevant Market) معرفی شده است. این اطلاعیه که نخست در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، چارچوب اصلی تحلیل بازار در رویه کمیسیون را مشخص می‌کند و آزمون SSNIP را به عنوان ابزار اصلی برای تحلیل جانشینی تقاضا معرفی می‌کند. در این سند تأکید شده است که هدف از تعریف بازار، شناسایی محدودیت‌های رقابتی مؤثر بر بنگاه‌ها است تا بتوان قدرت بازار و آثار رقابتی رفتارها را ارزیابی کرد.

با وجود اهمیت این آزمون، استفاده از آن با چالش‌هایی نیز همراه است. یکی از مهم‌ترین مشکلات آن در پرونده‌هایی است که قیمت‌های موجود در بازار قبلاً در سطح غیر رقابتی قرار دارند. در چنین شرایطی، افزایش فرضی قیمت ممکن است نتایج گمراه‌کننده‌ای ایجاد کند، زیرا مصرف‌کنندگان ممکن است پیش‌تر به دلیل قیمت بالا به محصولات جایگزین روی آورده باشند. این مشکل در ادبیات رقابت به عنوان «خطای سلفان» (Cellophane Fallacy) شناخته می‌شود که نخست در پرونده مشهور United States v. DuPont در حقوق رقابت آمریکا مطرح شد. در چنین مواردی، مقامات رقابت باید از داده‌های دیگری مانند کشش

## ۲-۱-۲ کارایی بازار

کارایی بازار یکی از مفاهیم بنیادین در ارزیابی رفاه مصرف‌کننده است و ارتباط نزدیکی با ماده ۱۰۱ (۳) TFEU دارد. در ادبیات اقتصادی، کارایی به اشکال مختلفی چون کارایی تخصیصی [Allocative efficiency]، کارایی تولیدی [Productive efficiency] و کارایی پویا [Dynamic efficiency] تقسیم می‌شود. حقوق رقابت اتحادیه اروپا به‌ویژه در دهه‌های اخیر به هر سه بعد توجه نشان داده است. (Monti, 2022)

کارایی تخصیصی زمانی محقق می‌شود که قیمت کالا یا خدمت برابر با هزینه نهایی تولید باشد و منابع به‌گونه‌ای تخصیص یابند که بیشترین مطلوبیت اجتماعی حاصل شود. رفتارهای کارتل‌گونه که منجر به افزایش مصنوعی قیمت می‌شوند، این نوع کارایی را مختل می‌کنند و زیان رفاهی ایجاد می‌کنند. به همین دلیل، توافقات افقی در تعیین قیمت یا تقسیم بازار از شدیدترین نقض‌های ماده ۱۰۱ (۱) محسوب می‌شوند.

کارایی تولیدی به حداقل‌سازی هزینه‌های تولید مربوط است. برخی همکاری‌های میان بنگاه‌ها، مانند توافقات تحقیق و توسعه مشترک یا بهره‌برداری مشترک از زیرساخت‌ها، می‌توانند هزینه‌ها را کاهش داده و این نوع کارایی را تقویت کنند. در چنین مواردی، ماده ۱۰۱ (۳) امکان پذیرش توافق را فراهم می‌کند، مشروط بر آنکه منافع حاصل به مصرف‌کنندگان منتقل شود.

کارایی پویا به نوآوری و پیشرفت فناوری مربوط است و در اقتصاد دانش‌بنیان اهمیت ویژه‌ای دارد. گاه همکاری میان بنگاه‌ها می‌تواند سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه را تسهیل کند و محصولات یا فناوری‌های جدیدی به بازار عرضه کند. دادگاه و کمیسیون پذیرفته‌اند که چنین کارایی‌هایی می‌تواند آثار محدودکننده رقابت را توجیه کند، به شرط آنکه شرایط چهارگانه ماده ۱۰۱ (۳) رعایت شود.

در نهایت، مفهوم کارایی بازار در حقوق رقابت اتحادیه اروپا نه به معنای حمایت بی‌قیدوشرط از هرگونه افزایش کارایی بنگاه‌ها، بلکه به معنای توازن میان کارایی اقتصادی و حفظ ساختار رقابت است. کارایی زمانی ارزش حقوقی می‌یابد که در چارچوب رقابت مؤثر باقی بماند و به بهبود رفاه مصرف‌کننده بینجامد. این رویکرد نشان می‌دهد که حقوق رقابت اتحادیه اروپا، به‌ویژه در پرتو ماده ۱۰۱ (۳)، نظامی مبتنی بر تحلیل اقتصادی و ارزیابی آثار واقعی است که هدف نهایی آن تضمین عملکرد کارآمد بازار به نفع جامعه و مصرف‌کنندگان است.

## ۲-۲ استثنائات مبتنی بر منافع عمومی در حقوق رقابت اتحادیه

### اروپا

حقوق رقابت اتحادیه اروپا، اگرچه در ظاهر نظامی فنی و اقتصادی به نظر می‌رسد که بر مفاهیمی چون قدرت بازار، کارایی تخصیصی و رفاه مصرف‌کننده استوار است، اما در واقع در بستر گسترده‌تری از اهداف هنجاری و عمومی عمل می‌کند. ماده ۳ معاهده اتحادیه اروپا (TEU) از «اقتصاد اجتماعی بازار بسیار رقابتی» سخن می‌گوید؛ تعبیری که به‌روشنی نشان می‌دهد رقابت نه یک غایت مطلق، بلکه ابزاری برای تحقق مجموعه‌ای از اهداف عمومی همچون توسعه پایدار، پیشرفت اجتماعی، انسجام اقتصادی و سطح بالای حمایت از محیط زیست است. از همین‌رو، هرچند قواعد مندرج در مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ TFEU اصل را بر منع توافقات و رفتارهای ضدرقابتی قرار داده‌اند، اما این قواعد در خلأ هنجاری اجرا نمی‌شوند و در مواردی استثنایی می‌توانند در پرتو ملاحظات منافع عمومی تفسیر یا تعدیل شوند. (Organisation for

Economic & Development, 2020)

با این حال، باید تأکید کرد که در منطق اتحادیه اروپا، استناد به منافع عمومی هرگز به معنای تعلیق کلی قواعد رقابت نیست. دیوان دادگستری اتحادیه اروپا همواره بر این نکته پای فشرده است که هرگونه محدودیت رقابت باید بر اساس معیارهای ضرورت و

این، در مواردی که دولت‌ها به ماده ۱۰۶(۲) TFEU و مفهوم خدمات اقتصادی دارای منفعت عمومی (SGEI) استناد می‌کنند، دیوان در پرونده‌هایی مانند (Corbeau C-320/91) تصریح کرده است که اعطای حقوق انحصاری تنها زمانی مجاز است که بدون آن انجام مأموریت عمومی ممکن نباشد و محدودیت رقابت از حد لازم فراتر نرود.

حوزه دیگری که در آن ملاحظات منافع عمومی نقش پررنگی یافته، ثبات مالی است. بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ و پیامدهای آن برای نظام بانکی اروپا، آزمونی جدی برای تعادل میان قواعد رقابت و ضرورت‌های اقتصادی کلان بود. در آن دوره، بسیاری از دولت‌های عضو برای جلوگیری از فروپاشی بانک‌ها و گسترش بحران به سایر بخش‌های اقتصادی، کمک‌های گسترده مالی اعطا کردند. در شرایط عادی، چنین کمک‌هایی می‌توانستند به‌عنوان تحریف‌کننده رقابت و مغایر با ماده ۱۰۷ TFEU تلقی شوند. با این حال، بند ۳(ب) ماده ۱۰۷ اجازه می‌دهد در صورت بروز «آشفته‌گی شدید در اقتصاد یک کشور عضو»، کمک‌های خاصی مجاز شمرده شود. کمیسیون اروپا با صدور مجموعه‌ای از اطلاعیه‌ها و چارچوب‌های موقت، از جمله Banking Restructuring و Communication 2008 و Communication 2009، کوشید سازوکاری ایجاد کند که در آن هم ثبات نظام مالی حفظ شود و هم رقابت به‌طور غیرقابل‌جبران تحریف نگردد. (Jones et al., 2025)

ویژگی اساسی این رویکرد آن بود که کمک‌های دولتی به بانک‌ها بی‌قید و شرط پذیرفته نشدند. بانک‌های دریافت‌کننده کمک موظف بودند برنامه‌های بازسازی ارائه دهند، دارایی‌های غیرضروری را واگذار کنند و از رفتارهای تهاجمی در بازار که می‌توانست به رقبا آسیب زند، پرهیز نمایند. دیوان دادگستری و دادگاه عمومی نیز در بررسی این تصمیمات، هرچند به کمیسیون در ارزیابی وضعیت بحرانی نوعی حاشیه تشخیص اعطا کردند، اما اصل نظارت قضایی

تناسب ارزیابی شود و صرف ارجاع به اهداف کلی سیاست عمومی نمی‌تواند توجیه‌کننده تحریف گسترده بازار باشد. به بیان دیگر، رابطه میان رقابت و منافع عمومی، رابطه‌ای تقابلی و صفر و یکی نیست، بلکه رابطه‌ای تعادلی و ساختاری است که در آن رقابت همچنان نقطه عزیمت تحلیل باقی می‌ماند.

یکی از عرصه‌هایی که در آن ملاحظات منافع عمومی می‌تواند بر اجرای قواعد رقابت اثرگذار باشد، حوزه امنیت عمومی است. در چارچوب بازار داخلی، امنیت عرضه برخی کالاها و خدمات اساسی - نظیر انرژی، منابع سوختی، زیرساخت‌های حیاتی یا خدمات راهبردی - اهمیت بنیادین دارد. دیوان دادگستری در پرونده مشهور Campus Oil Case 72/83 به دولت ایرلند اجازه داد پالایشگاه‌های داخلی را ملزم کند که بخشی از نیاز خود را از یک پالایشگاه ملی خریداری کنند، زیرا در شرایط خاص آن زمان، تضمین حداقلی از ظرفیت پالایش داخلی برای حفظ امنیت انرژی کشور ضروری تلقی می‌شد. این رأی نشان داد که در موارد استثنایی، هنگامی که یک کالا برای «بقای اقتصادی و اجتماعی» دولت اهمیت حیاتی دارد، ممکن است ملاحظات امنیتی بر آزادی‌های بازار و حتی بر برخی مقتضیات رقابتی تقدم یابد. (Monti, 2022)

با این حال، رویه بعدی دیوان بیانگر آن است که چنین استثنائاتی باید مضیق تفسیر شوند. در پرونده Commission v Greece (C-347/88) دیوان تأکید کرد که دولت‌ها نمی‌توانند به‌طور کلی و بدون اثبات ضرورت واقعی، اقدامات محدودکننده را تحت عنوان امنیت عمومی توجیه کنند. معیار اصلی در این زمینه، اصل تناسب است: آیا اقدام اتخاذشده واقعاً برای تحقق هدف امنیتی لازم است و آیا ابزار کم‌محدودکننده‌تری وجود ندارد که همان هدف را تأمین کند؟ این رویکرد نشان می‌دهد که حتی در حساس‌ترین حوزه‌ها نیز رقابت به‌طور کامل کنار گذاشته نمی‌شود، بلکه در چارچوبی محدود و کنترل‌شده تعدیل می‌گردد. افزون بر

و رعایت تناسب را حفظ نمودند. بدین ترتیب، تجربه بحران مالی نشان داد که حتی در شرایط اضطراری نیز قواعد رقابت به طور کامل تعلیق نمی‌شوند، بلکه در قالبی انعطاف‌پذیر و موقتی اجرا می‌گردند تا میان ثبات کلان اقتصادی و ساختار رقابتی بازار تعادل برقرار شود.

در سال‌های اخیر، توجه به اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی نیز در تحلیل رقابتی اهمیت بیشتری یافته است. معاهدات اتحادیه اروپا تصریح می‌کنند که حفاظت از محیط زیست و ارتقای سطح بالای اشتغال و حمایت اجتماعی باید در تمامی سیاست‌های اتحادیه، از جمله سیاست رقابت، مدنظر قرار گیرد. این امر به‌ویژه در زمینه توافقات همکاری میان بنگاه‌ها برای دستیابی به اهداف پایداری مطرح شده است. برای مثال، همکاری شرکت‌ها جهت کاهش انتشار کربن، بهبود استانداردهای زیست‌محیطی یا توسعه فناوری‌های پاک ممکن است به‌طور ظاهری محدودکننده رقابت باشد؛ اما اگر چنین همکاری‌ای منافع قابل توجهی برای جامعه ایجاد کند و شرایط ماده ۱۰۱(۳) TFEU را برآورده سازد، می‌تواند از شمول ممنوعیت خارج شود. کمیسیون اروپا در راهنمای جدید توافقات‌های افقی (۲۰۲۳) به‌صراحت چارچوبی برای ارزیابی «توافقات‌های پایداری» ارائه کرده و امکان در نظر گرفتن منافع گسترده زیست‌محیطی را در تحلیل کارایی‌ها پذیرفته است، مشروط بر آنکه این منافع به‌گونه‌ای منصفانه به مصرف‌کنندگان منتقل شود و محدودیت‌ها ضروری و متناسب باشند.

در حوزه سیاست‌های اجتماعی نیز دیوان دادگستری در پرونده Albany C (۹۶/۶۷) تصریح کرد که برخی توافقات‌های جمعی کارگری که هدف آنها تنظیم شرایط کار و حمایت اجتماعی است، اصولاً خارج از قلمرو ماده ۱۰۱ قرار می‌گیرند، زیرا هدف آنها تنظیم رقابت اقتصادی نیست، بلکه تحقق اهداف اجتماعی است. این رأی نشان می‌دهد که حقوق رقابت اتحادیه اروپا نمی‌خواهد

جایگزین سیاست اجتماعی شود یا آن را تضعیف کند، بلکه میان فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها و تنظیم روابط کار تمایز قائل می‌شود. اگرچه حقوق رقابت اتحادیه اروپا اصولاً بر حفظ رقابت مؤثر در بازار متمرکز است، اما این نظام حقوقی به‌طور کامل از سایر اهداف عمومی اتحادیه جدا نیست. معاهدات اتحادیه اروپا نشان می‌دهند که رقابت بخشی از چارچوب گسترده‌تر «اقتصاد اجتماعی بازار» است که در ماده ۳ معاهده اتحادیه اروپا (TEU) مورد اشاره قرار گرفته است. در این چارچوب، رقابت وسیله‌ای برای تحقق اهدافی مانند توسعه پایدار، رفاه اجتماعی و پیشرفت اقتصادی محسوب می‌شود. از همین‌رو، در برخی شرایط استثنایی ممکن است ملاحظات مرتبط با منافع عمومی توجیه‌کننده محدودیت‌هایی بر قواعد رقابت باشند.

این استثنائات به‌صورت پراکنده در نظام حقوقی اتحادیه اروپا ظاهر می‌شوند؛ از جمله در قالب برخی مقررات معاهدات، مقررات ثانویه اتحادیه و رویه قضایی دیوان دادگستری. برای مثال، ماده ۱۰۶(۲) TFEU امکان اعطای حقوق خاص به بنگاه‌های مأمور ارائه خدمات اقتصادی دارای منفعت عمومی (SGEI) را فراهم می‌کند، مشروط بر آنکه اعمال قواعد رقابت مانع انجام وظیفه عمومی محول‌شده نشود. افزون بر این، در برخی حوزه‌های سیاستی، ملاحظاتمانند امنیت عمومی، ثبات مالی یا اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی می‌توانند در تحلیل رقابتی نقش ایفا کنند. با این حال، پذیرش چنین ملاحظات منصفانه‌ای معمولاً مشروط به رعایت اصول ضرورت و تناسب است تا از تضعیف بیش از حد رقابت در بازار جلوگیری شود.

در نتیجه، اگرچه اصل بنیادین در حقوق رقابت اتحادیه حمایت از رقابت مؤثر است، اما این اصل در خلأ عمل نمی‌کند و در موارد محدود ممکن است در پرتو اهداف گسترده‌تر منافع عمومی تفسیر یا تعدیل شود.

## ۲-۲-۱ امنیت عمومی

امنیت عمومی یکی از مهم‌ترین ملاحظات است که می‌تواند در برخی موارد محدود بر اجرای قواعد رقابت تأثیر بگذارد. اتحادیه اروپا در حوزه‌هایی مانند انرژی، زیرساخت‌های حیاتی، صنایع دفاعی یا تأمین کالاهای اساسی، اهمیت ویژه‌ای برای حفظ امنیت عرضه و عملکرد پایدار این بخش‌ها قائل است. در چنین شرایطی، ممکن است دولت‌ها یا نهادهای اتحادیه اقداماتی اتخاذ کنند که به‌طور غیرمستقیم بر رقابت در بازار اثر بگذارد. یکی از حوزه‌هایی که این ملاحظه در آن برجسته است، بخش انرژی است. امنیت عرضه انرژی برای اقتصاد و رفاه اجتماعی کشورهای عضو اهمیت اساسی دارد. به همین دلیل، برخی سیاست‌های تنظیمی یا حمایتی که هدف آنها تضمین دسترسی پایدار به انرژی است، ممکن است به‌طور محدود محدودیت‌هایی بر رقابت ایجاد کنند. در چنین مواردی، مقامات اتحادیه باید میان حفظ رقابت و تضمین امنیت عرضه تعادل برقرار کنند. (Biondi et al., 2018)

با این حال، رویه قضایی دیوان دادگستری نشان می‌دهد که استناد به امنیت عمومی باید به‌طور مضیق تفسیر شود. اقدامات محدودکننده رقابت تنها زمانی قابل توجیه‌اند که واقعاً برای تحقق هدف امنیتی ضروری باشند و فراتر از آنچه برای دستیابی به این هدف لازم است، نروند. بنابراین، اصل تناسب [Proportionality] نقش اساسی در ارزیابی این نوع استثنائات ایفا می‌کند.

## ۲-۲-۲ ثبات مالی

ثبات مالی نیز یکی از ملاحظات مهمی است که در برخی شرایط می‌تواند در تحلیل رقابتی مورد توجه قرار گیرد، به‌ویژه در حوزه بانکداری و خدمات مالی. بحران مالی جهانی سال‌های ۲۰۰۸ و پس از آن بحران بدهی در برخی کشورهای اروپایی نشان داد که حفظ ثبات نظام مالی می‌تواند در شرایط اضطراری به مداخله‌های گسترده دولت‌ها در بازار منجر شود. در جریان این بحران، بسیاری

از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا برای جلوگیری از فروپاشی بانک‌ها و مؤسسات مالی اقدام به اعطای کمک‌های دولتی کردند. چنین اقداماتی در حالت عادی ممکن است با قواعد رقابت و به‌ویژه مقررات مربوط به کمک‌های دولتی ناسازگار باشد. با این حال، کمیسیون اروپا با استناد به شرایط استثنایی و ضرورت حفظ ثبات نظام مالی، چارچوب‌های موقتی برای ارزیابی این کمک‌ها ایجاد کرد. (Crémer et al., 2019)

در این چارچوب، کمیسیون تلاش کرد میان دو هدف مهم تعادل برقرار کند: از یک سو جلوگیری از فروپاشی نظام مالی و از سوی دیگر جلوگیری از تحریف بیش از حد رقابت در بازار. به همین دلیل، بسیاری از کمک‌های دولتی مشروط به اقدامات اصلاحی مانند بازسازی ساختار بانک‌ها، فروش برخی دارایی‌ها یا محدودیت در رفتارهای رقابتی آنها شد. این تجربه نشان داد که حتی در شرایط بحران نیز قواعد رقابت به‌طور کامل کنار گذاشته نمی‌شوند، بلکه با توجه به ملاحظات ثبات مالی به‌طور انعطاف‌پذیر اعمال می‌شوند.

## ۲-۲-۳ سیاست‌های اجتماعی و زیست‌محیطی

علاوه بر ملاحظات امنیتی و مالی، اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی نیز می‌توانند در برخی موارد در تحلیل حقوق رقابت اتحادیه اروپا نقش داشته باشند. معاهدات اتحادیه اروپا، به‌ویژه در ماده ۳ TEU و ماده ۱۱ TFEU، بر اهمیت توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست و پیشرفت اجتماعی تأکید می‌کنند. این اهداف می‌توانند در تفسیر و اجرای قواعد رقابت مورد توجه قرار گیرند. در سال‌های اخیر، بحث درباره امکان در نظر گرفتن اهداف زیست‌محیطی در ارزیابی توافقات همکاری میان بنگاه‌ها افزایش یافته است. برای مثال، توافقی که با هدف کاهش انتشار کربن، توسعه فناوری‌های پاک یا بهبود استانداردهای زیست‌محیطی منعقد می‌شوند، ممکن است در نگاه نخست محدودکننده رقابت به نظر برسند. با این حال، اگر چنین توافقی

منجر به مزایای قابل توجه زیست‌محیطی شوند و شرایط ماده ۱۰۱ (۳) TFEU را برآورده کنند، ممکن است قابل پذیرش باشند.

(Craig & de Búrca, 2020)

کمیسیون اروپا در راهنمای جدید خود درباره توافقات افقی [Horizontal Cooperation Guidelines] نیز به این موضوع توجه کرده و چارچوبی برای ارزیابی توافقات مرتبط با پایداری [sustainability agreements] ارائه داده است. بر اساس این رویکرد، اگر توافقی منافع قابل توجهی برای جامعه ایجاد کند و این منافع به‌طور منصفانه میان مصرف‌کنندگان توزیع شود، ممکن است از استثنای ماده ۱۰۱ (۳) بهره‌مند شود.

در حوزه سیاست‌های اجتماعی نیز رویه قضایی دیوان دادگستری در برخی موارد نشان داده است که توافقات مرتبط با تنظیم شرایط کار یا حمایت از کارگران ممکن است خارج از قلمرو ماده ۱۰۱ تلقی شوند، زیرا هدف اصلی آنها نه تنظیم رقابت اقتصادی، بلکه تحقق اهداف اجتماعی است.

لذا، اگرچه قواعد رقابت اتحادیه اروپا بر اصل حفظ رقابت مؤثر در بازار استوار است، اما این قواعد در چارچوب گسترده‌تر اهداف عمومی اتحادیه عمل می‌کنند. ملاحظاتمانند امنیت عمومی، ثبات مالی و اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی در شرایط خاص می‌توانند در ارزیابی رقابتی نقش داشته باشند. با این حال، پذیرش چنین استثنائاتی همواره مشروط به رعایت اصول ضرورت، تناسب و حفظ حداقل سطح رقابت در بازار است تا از تضعیف ساختار رقابتی و آسیب به رفاه مصرف‌کنندگان جلوگیری شود.

در مجموع، بررسی استثنائات مبتنی بر منافع عمومی نشان می‌دهد که حقوق رقابت اتحادیه اروپا نظامی یک‌بعدی و صرفاً اقتصادی نیست، بلکه در تعامل با سایر اهداف بنیادین اتحادیه عمل می‌کند. با این حال، این تعامل به معنای برتری مطلق منافع عمومی بر رقابت نیست. در تمامی حوزه‌ها - از امنیت عمومی گرفته تا ثبات مالی و اهداف زیست‌محیطی - اصل بنیادین آن است که هرگونه

انحراف از قواعد رقابت باید استثنایی، موجه، ضروری و متناسب باشد. بدین ترتیب، رقابت همچنان قاعده عمومی باقی می‌ماند و منافع عمومی در چارچوبی محدود و کنترل‌شده بر آن اثر می‌گذارند. این رویکرد نشان‌دهنده تلاش اتحادیه اروپا برای حفظ تعادل میان کارایی اقتصادی، یکپارچگی بازار داخلی و تحقق اهداف گسترده‌تر اجتماعی و هنجاری است که در معاهدات بنیادین آن منعکس شده‌اند.

### نتیجه‌گیری

مطالعه نظام حقوق رقابت در این پژوهش نشان داد که رقابت آزاد و منصفانه یکی از مهم‌ترین عوامل تضمین کارایی اقتصادی، افزایش نوآوری و حمایت از رفاه مصرف‌کنندگان در اقتصادهای معاصر است. در این راستا، بسیاری از نظام‌های حقوقی تلاش کرده‌اند با تدوین قواعد مشخص برای جلوگیری از رفتارهای ضد رقابتی، از شکل‌گیری یا تقویت قدرت بازار به‌گونه‌ای که رقابت را مختل کند جلوگیری نمایند. بررسی تطبیقی میان نظام حقوق رقابت اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که هر دو نظام به اهمیت تنظیم روابط رقابتی در بازار توجه کرده‌اند، هرچند میزان توسعه نهادی و رویه‌ای آنها متفاوت است.

در اتحادیه اروپا، حقوق رقابت از ساختار نسبتاً منسجم و پیشرفته‌ای برخوردار است. مقررات اصلی این حوزه، به‌ویژه مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا، همراه با مقررات مربوط به کنترل ادغام‌ها و نظارت بر کمک‌های دولتی، چارچوبی جامع برای حفظ رقابت مؤثر در بازار داخلی فراهم کرده‌اند. رویه قضایی گسترده دیوان دادگستری اتحادیه اروپا و تصمیمات کمیسیون نیز نقش مهمی در توسعه مفاهیم کلیدی مانند موقعیت مسلط، سوءاستفاده از قدرت بازار، توافقات ضد رقابتی و کنترل تمرکزهای اقتصادی ایفا کرده است. علاوه بر این، وجود نهادهای اجرایی قدرتمند مانند کمیسیون اروپا و همکاری آن با مقامات ملی در

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که سیاست رقابت، چه در سطح اتحادیه اروپا و چه در نظام حقوقی ایران، ابزاری اساسی برای تضمین کارکرد صحیح بازار و جلوگیری از تمرکز قدرت اقتصادی است. با این حال، کارآمدی این سیاست‌ها تا حد زیادی به کارایی نهادهای اجرایی، وضوح چارچوب‌های حقوقی و توانایی نظام حقوقی در انطباق با تحولات اقتصادی و فناوری بستگی دارد. در این میان، تجربه اتحادیه اروپا می‌تواند به‌عنوان الگویی مفید برای توسعه و تقویت نظام حقوق رقابت در ایران مورد توجه قرار گیرد، به‌ویژه در زمینه تقویت استقلال نهادی، گسترش تحلیل‌های اقتصادی و ایجاد سازوکارهای مؤثرتر برای اجرای قواعد رقابت. در مجموع، تقویت نظام حقوق رقابت در ایران مستلزم مجموعه‌ای از اصلاحات تقنینی، نهادی و اجرایی است. اصلاح و تکمیل قوانین، افزایش استقلال نهاد رقابتی، شفاف‌سازی صلاحیت‌ها، توسعه تحلیل‌های اقتصادی و تقویت فرهنگ رقابت از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به ارتقای کارآمدی این نظام کمک کنند. بهره‌گیری از تجربیات نظام‌های پیشرفته، به‌ویژه اتحادیه اروپا، نیز می‌تواند در طراحی این اصلاحات و توسعه تدریجی حقوق رقابت در ایران نقش مؤثری ایفا کند.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### EXTENDED ABSTRACT

The principle of public interest constitutes one of the most significant normative foundations of economic public law and provides an important analytical lens for evaluating the legitimacy and orientation of regulatory institutions in modern legal systems. In the context of competition law, public interest is not limited to the protection of individual market participants but encompasses broader objectives such as preserving competitive market structures, preventing concentration

قابل شبکه رقابت اروپا موجب شده است که اجرای قواعد رقابت در سطح اتحادیه از انسجام و کارایی قابل توجهی برخوردار باشد. در مقابل، بررسی نظام حقوق رقابت در ایران نشان می‌دهد که با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و ایجاد نهادهایی مانند شورای رقابت، گام مهمی در جهت شکل‌گیری چارچوب حقوقی رقابت برداشته شده است. این قانون با پیش‌بینی مقرراتی درباره توافقات ضدرقابتی، سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط و تمرکزهای اقتصادی تلاش کرده است زمینه‌های حقوقی لازم برای مقابله با انحصار و حمایت از رقابت را فراهم کند. با این حال، در عمل نظام رقابت ایران هنوز در مرحله توسعه نهادی و شکل‌گیری رویه قرار دارد و با چالش‌هایی مانند محدودیت استقلال نهادی، تداخل صلاحیت میان نهادهای مختلف و ساختار خاص اقتصاد ایران مواجه است.

مقایسه این دو نظام نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت سیاست رقابت در اتحادیه اروپا، توسعه تدریجی رویه قضایی، بهره‌گیری گسترده از تحلیل‌های اقتصادی و وجود نهادهای تخصصی و مستقل در اجرای قواعد رقابت است. در حالی که در ایران، هرچند چارچوب قانونی اولیه ایجاد شده است، اما برای افزایش کارآمدی این نظام لازم است که تقویت نهادهای اجرایی، توسعه رویه‌های حقوقی منسجم، افزایش شفافیت تصمیم‌گیری‌ها و استفاده بیشتر از تحلیل‌های اقتصادی در بررسی پرونده‌های رقابتی مورد توجه قرار گیرد.

of economic power, promoting consumer welfare, ensuring economic efficiency, and protecting the integrity of public decision-making. In the Iranian legal system, the constitutional foundations of public interest can be identified in a wide range of constitutional principles relating to equality, social justice, economic independence, public welfare, social security, employment, education, protection of public rights, and the prohibition of arbitrary domination. These principles collectively demonstrate that public

institutions are expected to exercise their powers in a manner consistent with the general interests of society rather than sectional, political, or private interests. Public interest therefore functions as a guiding principle for public policymaking and administrative regulation, even though its precise legal boundaries are often difficult to define because of its inherently flexible and context-dependent character. Iranian public law scholarship has similarly recognized public interest as a central justification for public intervention and administrative regulation, while emphasizing the importance of preventing conflicts of interest and ensuring that public officials do not subordinate collective interests to personal or organizational benefits (Emami & Ostovar Sangari, 2010; Mansourian & Sheibani, 2016; Shams, 2009). The problem of conflict of interest is particularly important in economic regulation because regulatory decisions frequently affect powerful firms, state entities, consumers, investors, and sectoral authorities simultaneously. Where institutional safeguards are weak, this may create conditions in which regulatory discretion is influenced by private or organizational interests. For this reason, the effective management of conflicts of interest is regarded as an essential element of good governance, transparency, and public accountability (Ansari, 2022; Catchick, 2014; Mooney, 2015). From this perspective, competition authorities are not merely technical bodies concerned with market structure; they are also public institutions whose legitimacy depends on their capacity to pursue public interest through lawful, impartial, transparent, and economically rational decision-making.

In Iran, the establishment of the Competition Council and the National Competition Center marked an important institutional development in the movement toward a more

structured system of competition regulation. The Council was created within the framework of the Law on the Implementation of the General Policies of Article 44 of the Constitution in order to confront monopolistic practices, regulate markets with limited competition, and promote the participation of the private sector in the national economy. Its institutional rationale is based on the assumption that markets may fail to generate competitive outcomes where dominant firms, state-owned enterprises, or concentrated market structures possess the ability to restrict entry, manipulate prices, reduce output, or impose unfair trading conditions. The Council therefore performs a public regulatory function by supervising anticompetitive conduct and, in certain circumstances, intervening in markets characterized by monopoly or structural imbalance. Its decisions may include the regulation of prices, the adoption of corrective measures, the investigation of abuse of dominant position, and the supervision of conduct likely to impair effective competition. Such functions reflect the public-interest dimension of competition regulation because they are intended not merely to protect individual competitors but to maintain the proper functioning of markets and to prevent excessive concentrations of economic power. Iranian studies have emphasized that the legal position of the Competition Council should be understood within the broader structure of economic regulation and that its effectiveness depends heavily on institutional independence, transparency, clarity of jurisdiction, and the availability of effective enforcement mechanisms (Mirzaei, 2025; Mousavi & Ahmadi, 2022). At the same time, the Iranian competition regime continues to face a number of structural challenges, including the substantial presence of state-owned and quasi-state-owned enterprises, overlapping competences between regulatory institutions,

limitations on the institutional autonomy of the Council, and an insufficiently developed body of competition jurisprudence. Judicial review of Council decisions is therefore particularly important for guaranteeing legality and procedural fairness, although the relationship between specialized competition regulation and administrative judicial supervision remains a field requiring further clarification (Mirzadeh Kuhshahi, 2022). Recent evaluations of the Council have also identified legal ambiguity, implementation difficulties, and limitations in institutional capacity as factors that weaken the consistency and predictability of competition enforcement in Iran (Mohammadian Dastanaei, 2024). These characteristics demonstrate that the protection of public interest in Iranian competition law is closely connected not only to substantive competition rules but also to the institutional design and administrative quality of competition governance.

The European Union represents a considerably more mature competition law system in which the concept of public interest has developed through a complex interaction between treaty provisions, secondary legislation, administrative enforcement, economic analysis, and judicial interpretation. Historically, European competition law emerged alongside the project of economic integration following the Second World War. Early competition rules were closely linked to the objective of preventing private economic barriers from undermining the creation of a common market, and competition policy became an important mechanism for limiting cartels, monopolistic practices, and market partitioning (Cini & McGowan, 2009; Gerber, 2000). The contemporary legal framework is primarily based on Articles 101 and 102 of the Treaty on the Functioning of the European Union, together with merger control rules and the legal regime governing state aid. Article 101 prohibits agreements and concerted

practices that have as their object or effect the prevention, restriction, or distortion of competition, while Article 102 addresses abuses of dominant position. These rules are applied within a broader institutional structure in which the European Commission, national competition authorities, the General Court, and the Court of Justice of the European Union play interconnected roles. The public-interest dimension of this regime has evolved significantly over time. Initially, the protection of market integration and the elimination of barriers to cross-border trade were central policy concerns, but later developments increasingly emphasized consumer welfare, economic efficiency, and the maintenance of effective competition (Samavati, 2015; Van den Bergh & Camesasca, 2006; Vanberg, 2009). State aid control further demonstrates the public-law character of the European competition system because unrestricted governmental support may distort market conditions and give selected undertakings an unjustified competitive advantage (Fox, 2000). Accordingly, the European model does not conceptualize competition merely as a private-law relationship among firms; rather, competition is treated as an institutional condition necessary for the proper functioning of the internal market and for the realization of broader economic objectives. This explains why public interest within EU competition law is deeply connected to regulatory neutrality, market openness, consumer protection, and the preservation of a competitive economic order.

A particularly significant aspect of the European Union model is the increasingly prominent role of consumer welfare and economic analysis in competition decision-making. Since the 1990s, the enforcement of EU competition law has progressively moved toward a more effects-based approach, under which the legal assessment of business

conduct increasingly considers its actual or likely impact on market structure, prices, output, quality, innovation, and consumer choice. Consumer welfare has therefore become a central criterion in evaluating whether conduct should be considered harmful to competition, although it is generally understood in a broad sense that includes not only short-term price effects but also long-term considerations such as quality, innovation, and market dynamism. This orientation is particularly evident in the interpretation of Article 101(3), which allows restrictive agreements to benefit from exemption where they contribute to improving production or distribution or promoting technical or economic progress while allowing consumers a fair share of the resulting benefits. Contemporary European competition law scholarship similarly emphasizes the increasing significance of economic reasoning in determining the legality of conduct under Articles 101 and 102 (Jones & Sufrin, 2019; Monti, 2022). Economic analysis plays an essential role in defining the relevant market, identifying market power, assessing barriers to entry, evaluating exclusionary practices, and distinguishing harmful conduct from legitimate competitive behavior. Concepts such as demand substitution, supply substitution, market concentration, marginal cost, and consumer responsiveness are therefore central to modern EU competition enforcement. This economic orientation has become even more important in digital markets, where traditional competition tools must be adapted to platform economics, network effects, data concentration, and innovation-driven competition (Cr  mer et al., 2019; European Commission, 2021; Organisation for Economic & Development, 2020). Nevertheless, the emphasis on economic efficiency does not mean that the European system is exclusively committed to narrow efficiency objectives.

Rather, competition enforcement operates within a broader treaty framework that also recognizes social, environmental, security, and market-integration goals. The critical legal challenge is therefore to ensure that such broader objectives are taken into account without undermining the predictability and coherence of competition rules.

The public-interest orientation of EU competition law becomes particularly visible in the treatment of exceptional circumstances in which competition rules must be balanced against other important public objectives. One example concerns services of general economic interest, where Article 106(2) TFEU permits certain derogations from ordinary competition requirements where the application of those rules would obstruct the performance of a public-service mission. Similarly, considerations such as public security, energy security, financial stability, environmental sustainability, and social protection may influence competition analysis in specific circumstances. However, European law generally requires such limitations to satisfy strict requirements of necessity and proportionality. The principle is therefore not that public interest automatically overrides competition, but that carefully defined public objectives may justify limited and proportionate restrictions where the ordinary application of competition rules would prevent the achievement of an essential public function. The importance of this approach is evident in sectors such as energy and financial services, where systemic stability and security of supply can have consequences far beyond individual market participants. European legal scholarship recognizes that the internal market is embedded in a broader constitutional order in which economic freedoms coexist with public-service, social, and regulatory objectives (Biondi et al., 2018; Craig & de B  rca, 2020). The same dynamic can be observed in state aid policy during periods

of financial crisis, when governmental intervention may be permitted in order to prevent systemic collapse, provided that appropriate safeguards are introduced to reduce distortions of competition. More recently, sustainability considerations have also become increasingly relevant in the interpretation of competition law, particularly where cooperation between undertakings may generate environmental or technological benefits. This development reflects a broader understanding of public interest in which competition policy is expected to remain economically rigorous while also responding to major societal transformations. At the same time, the European approach maintains a clear commitment to structured legal reasoning: exceptions must remain exceptional, public-interest objectives must be identifiable, and restrictions on competition must not exceed what is necessary to achieve legitimate aims. This institutionalized balancing process is one of the main differences between the European model and systems in which public-interest reasoning remains more general or less systematically integrated into competition analysis (Jones et al., 2025).

In conclusion, the comparative analysis demonstrates that the principle of public interest is present in both the Iranian and European competition law systems, but it operates through different institutional, doctrinal, and methodological structures. In Iran, public interest is strongly connected to constitutional values such as economic justice, protection of public rights, support for domestic production, regulation of monopoly, and the responsibility of public institutions to prevent the abuse of economic power. The Competition Council therefore occupies an important position in the realization of these objectives, particularly in markets characterized by high concentration or limited competitive pressure. Nevertheless, the effectiveness of this public-interest function

remains constrained by institutional dependence, jurisdictional overlap, the significant role of public and quasi-public enterprises, limited transparency in some decision-making processes, and the relatively restricted use of advanced economic analysis. In the European Union, by contrast, public interest has been incorporated into a highly developed competition regime in which consumer welfare, market efficiency, market integration, and the preservation of effective competition constitute central principles, while specific public objectives may be taken into account through legally defined exceptions and balancing mechanisms. The most important lesson for the development of Iranian competition law is therefore not the mechanical transplantation of European rules, but the gradual strengthening of institutional independence, economic expertise, procedural transparency, judicial accountability, and doctrinal clarity. A more precise articulation of the relationship between public interest and competition policy could enable the Iranian Competition Council to justify its interventions more consistently, distinguish legitimate regulatory objectives from discretionary policy considerations, and improve the predictability of its decisions. Such reforms would also help to clarify the respective roles of competition regulation, sectoral regulation, industrial policy, and consumer protection. Ultimately, an effective competition regime must balance the protection of competitive market structures with broader public objectives while ensuring that public-interest reasoning does not become an open-ended justification for arbitrary intervention. A transparent, evidence-based, and institutionally coherent approach to public interest can therefore strengthen both the legitimacy and effectiveness of competition governance in Iran.

## References

- Ansari, B. (2022). Managing conflicts of interest in the public sector. *Public Law Studies Quarterly*, 52(1), 300.
- Biondi, A., Eeckhout, P., & Ripley, S. (2018). *EU law after Lisbon*. Oxford University Press.
- Cacciato, C. (1996). *Subsidies, competition laws, and politics: A comparison of the EU and USA*.
- Catchick, P. (2014). *Conflict of interest: Gateway to corruption* [Conference presentation]. ACFE European Fraud Conference.
- Cini, M., & McGowan, L. (2009). *Competition policy in the European Union*. Palgrave Macmillan.
- Craig, P., & de Búrca, G. (2020). *EU law: Text, cases, and materials*. Oxford University Press.
- Crémer, J., de Montjoye, Y. A., & Schweitzer, H. (2019). *Competition policy for the digital era*.
- Emami, M., & Ostovar Sangari, K. (2010). *Administrative law* (12th ed., Vol. 1). Mizan Publications.
- European Commission. (2021). *Competition policy for the digital age*.
- Fox, E. M. (2000). Equality, discrimination, and competition law: Lessons from and for South Africa and Indonesia. *Harvard International Law Journal*, 41(2).
- Gerber, D. J. (2000). *Law and competition in the twentieth century: Protecting Prometheus*. Oxford University Press.
- Gorji, A. A. (2008). A worthy constitution. *Constitutional Law Journal*(10).
- Hashemi, S. M. (2003). *Constitutional law of the Islamic Republic of Iran* (5th ed., Vol. 1). Mizan Publications.
- Jones, A., & Sufrin, B. (2019). *EU competition law: Text, cases, and materials*. Oxford University Press.
- Jones, A., Sufrin, B., & Dunne, N. (2025). *EU competition law: Text, cases, and materials*. Oxford University Press.
- Mansourian, N., & Sheibani, A. (2016). The concept of public interest and its position in Iranian legislation. *Judicial Law Perspectives Quarterly*, 21(75).
- Mirzadeh Kuhshahi, N. (2022). Judicial review of the Competition Council and related institutions by the Administrative Justice Court. *Comparative Research on Islamic and Western Law*, 9(3).
- Mirzaei, M. (2025). The Competition Council's instruments in the supervisory legal system (economic regulation) from the perspective of competition law. *Economic Law Studies Quarterly*.
- Mohammadian Dastanaei, M. S. (2024). An examination of the performance and challenges facing the Competition Council. *Monthly Expert Reports of the Islamic Consultative Assembly Research Center*, 22(8).
- Monti, G. (2022). *EC competition law*. Cambridge University Press.
- Mooney, J. (2015). *Conflicts of interest by public officials*.  
[https://www.icclr.law.ubc.ca/sites/icclr.law.ubc.ca/files/publications/pdfs/Chapter 9 .pdf](https://www.icclr.law.ubc.ca/sites/icclr.law.ubc.ca/files/publications/pdfs/Chapter%209.pdf)
- Mousavi, S. M. M., & Ahmadi, A. (2022). The position of the Competition Council in Iran's economic regulatory system. *Economic Law Studies Quarterly*(3).
- Organisation for Economic, C.-o., & Development. (2020). *Competition in digital markets*.
- Samavati, H. (2015). *An introduction to commercial competition law and its role in policymaking and market regulation*. Ferdowsi Publications.
- Shams, A. (2009). The role of regulatory institutions in regulating public services. *Legal Information Quarterly*(19–20).
- Van den Bergh, R., & Camesasca, P. D. (2006). *European competition law and economics: A comparative perspective*. Sweet & Maxwell.
- Vanberg, V. J. (2009). *Consumer welfare, total welfare and economic freedom: On the normative foundations of competition policy*.